

تأثیر احساس بهزیستی سیاسی بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اردکان

نجات محمدی فر*



چکیده

هدف اصلی این مقاله — که به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است — بررسی میزان تأثیرگذاری احساس بهزیستی سیاسی بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه اردکان (براساس آمار سال ۱۳۹۸، معادل ۲۵۰۰ نفر) هستند. از این جمعیت، تعداد ۳۲۳ نفر براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران انتخاب شده‌اند. تحلیل‌های آماری با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS انجام شده و نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی نشان می‌دهد، بهزیستی سیاسی توانسته

* (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اردکان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، اردکان، ایران، (n.mohammadifar@ardakan.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۵

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۹۷-۲۳۸

است ۰/۱۳ درصد از تغییرات درونی متغیر وابسته، یعنی نگرش سیاسی، را تبیین کند. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل همبستگی پیرسون، بین احساس بهزیستی سیاسی با نگرش‌های سیاسی محافظه‌کارانه ($r=-0/50$)، لیبرال ($r=0/48$)، رادیکال ($r=-0/68$)، و واپس‌گرا ($r=-0/19$) رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده از الگوی معادله ساختاری (AMOS) نیز نشان می‌دهد که تأثیر متغیر بهزیستی سیاسی بر متغیر وابسته، معنادار است.

واژگان کلیدی: بهزیستی سیاسی، نگرش‌های سیاسی، محافظه‌کار، رادیکال، لیبرال، واپس‌گرا



مقدمه

نگرش‌های سیاسی از مؤلفه‌های اصلی نظام‌های اعتقادی افراد هستند که نقش عمده‌ای در توضیح رفتار سیاسی دارند؛ بنابراین، این نگرش‌ها در چارچوب رفتارهای سیاسی، از اهمیت زیادی برخوردارند. در واقع، نگرش‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند، مردم چگونه در انتخابات شرکت کنند، به چه کسی رأی بدهند، و از کدام حزب سیاسی حمایت کنند. فراتر از آن، نوع و میزان مشروعیت نظام سیاسی حاکم، به نگرش‌های سیاسی شهروندان بستگی دارد. شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی مشخص می‌کند که مردم چگونه باورهای سیاسی خود را پرورش می‌دهند و چگونه ارزش‌های خود را از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌کنند. نگرش سیاسی، فرایندی است که افراد از طریق آن جهت‌گیری، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، و الگوهای رفتاری در نظام سیاسی را به دست می‌آورند؛ بنابراین، فرایند شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی از مؤلفه‌های اساسی یک نظام سیاسی است.

به‌طور معمول، اندیشمندان بر نقش عواملی مانند خانواده، جنسیت، مذهب، نژاد، قومیت، رسانه‌های جمعی، محیط، و... در ایجاد و شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی تأکید دارند (رایان^۱، ۲۰۱۷؛ اشنابل^۲، ۲۰۱۸؛ هوه و پیکاک^۳، ۲۰۲۰)، اما عاملی که در این میان مغفول مانده و تا حدودی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، بهزیستی سیاسی است. با اینکه در دهه‌های اخیر، بهزیستی به کانون بحث‌های سیاسی و هدف سیاست عمومی در بسیاری از کشورها تبدیل شده است، اما علوم

1. Ryan
2. Schnabel
3. Hoewe and Peacock

سیاسی، نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی مانند اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و جغرافیا، در برابر تغییر و تحولات انجام‌شده چه در مورد مفهوم بهزیستی برای اهداف سیاست عمومی و معیارهای جدید توسعه و چه در تلاش برای بازگرداندن مفهوم بهزیستی به درون سیاست، نسبتاً ساکت بوده است. این امر ممکن است تا حدی ناشی از این مسئله باشد که تحولات مربوط به بهزیستی و چگونگی سنجش آن به تازگی به عرصه سیاست نقل مکان کرده‌اند. با این حال، ظهور آن‌ها ناشی از «پتانسیل تغییر» در سیاست است (کرل^۱، ۲۰۱۱: ۱).

احساس بهزیستی سیاسی، یکی از قابلیت‌های سیاست است که می‌تواند زمینه را برای ایجاد، شکل‌گیری، و تغییر نگرش‌های سیاسی شهروندان فراهم کند. در جامعه‌ای که حقوق سیاسی و مدنی افراد به رسمیت شناخته شود، شهروندان عقاید سیاسی خود را آزادانه و بدون ترس بیان کنند، در احزاب سیاسی فعالیت کنند، و به صورت آزاد و برابر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و فرایند جاری اجتماع سیاسی خود مشارکت کنند، فرد بر اساس تشخیص خود و به صورت آگاهانه و فعال در عرصه زندگی سیاسی با رأی‌گیری، رقابت سیاسی، و در قالب احزاب و فرایندهای رسمی سیاسی حضور پیدا می‌کند و نگرش خود را در مورد کنشگران سیاسی، نهادهای سیاسی، و روش کار و قواعد نظام بیان می‌کند و در نتیجه، احساس اثرگذاری سیاسی و کارآمدی خواهد داشت و به نظام سیاسی خود احساس تعلق بیشتری می‌کند.

دانشگاه، یکی از نهادهای مهم اجتماعی مورد توجه جامعه و حکومت است، زیرا این نهاد، بخش بزرگی از گروه نخبه یا افراد تحصیل‌کرده را تولید کرده و همواره نیروی انسانی را برای جنبش‌های اصلاح‌گرایانه اجتماعی و اقدامات سیاسی گسترده آماده می‌کند. دانشجویان امروز، آینده‌سازان فردا هستند؛ نگرش‌های امروز آن‌ها به یک مرجع مشترک برای نسل فردا تبدیل خواهد شد. آن‌ها آرمان‌گرا، منتقد وضع موجود، و خواستار وضع مطلوب هستند؛ به موضوعات سیاسی و اجتماعی علاقه زیادی دارند؛ و هر جا که تحولات عمیق اجتماعی در حال وقوع باشد، حضور

1. Kroll

آن‌ها پُررنگ است؛ بنابراین، مطالعه رفتار سیاسی آن‌ها اهمیت زیادی دارد. با توجه به این مقدمه، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «احساس بهزیستی سیاسی چه تأثیری بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان دارد؟» به عبارت روشن‌تر، «آیا بین احساس بهزیستی سیاسی و نوع نگرش‌های سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد؟»

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. احساس بهزیستی سیاسی^۱ و شاخص‌های آن

موضوع احساس بهزیستی، مدت‌ها مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف بوده است (داینر و دیگران^۲، ۱۹۹۵: ۸۵۱). در ادبیات علوم سیاسی، پیشینه «این ایده که دولت‌ها باید بهزیستی را ارتقا دهند»، به قرن‌ها پیش و دیدگاه‌های آدام اسمیت و جرمی بنتام^۳ و حتی فیلسوفان باستان مانند ارسطو^۴ مربوط می‌شود (راسموسن^۵، ۲۰۰۶). افزون‌براین، اقتصاددانان بر نقش درآمد بر بهزیستی شهروندان تأکید کرده‌اند (السینا و دیگران^۶، ۲۰۰۴؛ کلارک^۷ و دیگران، ۲۰۰۸) و جامعه‌شناسان و متخصصان سازمانی در چارچوب بهزیستی ذهنی به موضوعاتی مانند رضایت شغلی، مشارکت شغلی، و تعهد سازمانی علاقه نشان داده‌اند (اشکانسی^۸، ۲۰۱۱؛ هاسارد^۹، ۲۰۱۲).

احساس بهزیستی عبارت است از احساس مثبت و رضایت‌مندی عمومی از زندگی که شامل خود و دیگران در حوزه‌های مختلف مانند خانواده، شغل و... می‌شود (مایرز^{۱۰} و داینر، ۱۹۹۵: ۱۱). به عبارت دیگر، احساس بهزیستی به ارزیابی

1. Political Well-Being
2. Diener
3. Smith and Bentham
4. Aristotle
5. Rasmussen
6. Alesina
7. Clark
8. Ashkanasy
9. Hassard
10. Myers

و درک شخصی افراد از کیفیت زندگی‌شان (شامل کیفیت کنش‌های اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی، و عاطفی آن‌ها) گفته می‌شود. افراد با احساس بهزیستی بالا، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند؛ از گذشته و آینده خودشان، دیگران، رویدادها و حوادث پیرامونشان ارزیابی مثبتی دارند و آن‌ها را خوشایند توصیف می‌کنند؛ درحالی‌که افراد با احساس بهزیستی پایین، موارد یادشده را نامطلوب ارزیابی کرده و هیجان‌های منفی‌ای مانند اضطراب، افسردگی، و خشم بیشتری را تجربه می‌کنند (مایرز و داینر، ۱۹۹۵: ۱۱). با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده می‌توان احساس بهزیستی سیاسی را نگرش و ارزیابی مثبت اعضای جامعه در مورد نظام سیاسی، مقامات سیاسی، و نهادهای سیاسی و عملکرد آن‌ها دانست که به‌صورت یک احساس خوشایند بازتاب می‌یابد. اما آیا سیاست واقعاً باعث شادکامی افراد می‌شود؟

مطالعات اخیر در حوزه رفتار سیاسی نشان می‌دهد که رفتن به راهپیمایی‌ها، امضای دادخواست، برگزاری تظاهرات، و سایر فعالیت‌های سیاسی می‌تواند سلامتی و احساس بهزیستی سیاسی فرد را بهبود بخشد. کلار و کاسر^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش‌های جدیدی برای نخستین‌بار ارتباط بین فعالیت سیاسی و احساس بهزیستی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که کسانی که تمایل دارند در راهپیمایی یا تظاهرات شرکت کنند، افراد شادتری هستند. از دیدگاه دووال و داستون^۲ (۱۹۹۸) میزان حضور افراد در فعالیت‌های سیاسی می‌تواند ارتباط مثبتی با بهزیستی آن‌ها داشته باشد. به‌همین ترتیب، بسیاری از اندیشمندان روان‌شناسی نشان داده‌اند که فعال بودن افراد به‌لحاظ سیاسی، انگیزه بنیادین و ضروری آن‌ها برای بهزیستی است (کلار و کاسر، ۲۰۰۹: ۷۵۶)؛ به‌عنوان مثال، آدلر^۳ (۱۹۶۴) بر این نظر بود که علاقه اجتماعی یا نگرانی انسان‌ها برای تقویت بهزیستی دیگران و غلیان احساسات اجتماعی افراد، نشان‌دهنده سلامت روان است.

پژوهش‌های جدید در مورد مفاهیم فعالیت داوطلبانه و آرزوها و احساسات

1. Klar and Kasser
2. Duvall and Dotson
3. Adler

جامعه نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های سیاسی ممکن است به‌خودی‌خود انگیزه ایجاد کنند، زیرا فعالیت‌های انگیزشی به‌طور معمول، نیازهای روان‌شناختی مهمی را که مستلزم عملکرد سالم هستند، برآورده می‌کنند (ریان و دسی^۱، ۲۰۰۱)؛ به‌عنوان مثال، مایر و استوتزر^۲ (۲۰۰۸) این نکته را بررسی کرده‌اند که چرا داوطلب شدن اغلب به‌طور ذاتی انگیزه ایجاد می‌کند. از دیدگاه آن‌ها، داوطلب شدن می‌تواند موجب برانگیخته شدن گرایش به حمایت از دیگران و سبب ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت در فعالیت‌های جالب‌توجه، چالش‌برانگیز، و همراه با افراد دیگر شود، و در واقع عمل کمک کردن می‌تواند ذاتاً لذت‌بخش باشد. آن‌ها در پژوهش خود نشان داده‌اند که داوطلبان از زندگی خود راضی هستند و از دست دادن فرصت‌های داوطلبانه با کاهش رضایت از زندگی مرتبط است. این یافته‌ها، نتایج پژوهش‌های گذشته را بسط می‌دهند که نشان می‌دهند، فعالیت‌های داوطلبانه، اعتماد به نفس را افزایش و نرخ مرگ‌ومیر را کاهش می‌دهد (ویلسون، ۲۰۰۰). در همین راستا، کاسر (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که پیگیری اهدافی مانند احساسات اجتماعی (کمک به دیگران) اغلب با افزایش انگیزه همراه است و به‌طور معمول، شرایطی را فراهم می‌کند که به‌لحاظ روان‌شناختی، احساس رضایت بیشتری را ایجاد می‌کند. همه این موارد، گویای آن هستند که شرکت در فعالیت‌های سیاسی به احساس بهزیستی روانی فرد کمک می‌کند.

در حال حاضر، مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارند که به‌کارگیری آن‌ها موجب ایجاد احساس بهزیستی در افراد جامعه می‌شود. این شاخص‌ها دربردارنده اطلاعات در مورد دسترسی به خدمات، مسکن، محیط زیست، شغل، درآمد، مشارکت اجتماعی و سیاسی، آزادی‌های مدنی و سیاسی، حقوق شهروندی و حقوق بشر هستند. برخی از این شاخص‌ها نیز برای بررسی میزان پیشرفت کشورها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و اهداف توسعه هزاره (به‌ویژه شاخص‌های درآمد، سلامت، و تحصیلات) به‌کار می‌روند (هارکنس^۳،

1. Ryan and Deci
2. Meier and Stutzer
3. Harkness

در این میان، حقوق سیاسی و مدنی، تأثیر بنیادینی بر بهزیستی سیاسی دارند. در این راستا، سن^۱ (۱۹۹۳) استدلال کرده است که توانایی مردم برای ایفای نقش فعالانه در انتخاب رهبران، ابراز عقیده، حمایت، و عوامل محیطی دیگر در شکل‌دهی بهزیستی، حیاتی هستند. گزارش‌های اخیر توسعه انسانی نیز توجه فزاینده‌ای به تأثیر آزادی و مشارکت بر بهزیستی داشته‌اند. از این دیدگاه، دموکراسی‌ها، بهزیستی اقتصادی و اجتماعی را با افزایش پاسخ‌گویی و مشارکت سیاسی بهبود می‌بخشند و گزینه‌های در دسترس افراد را گسترش می‌دهند (اچ‌دی‌آر^۲، ۲۰۰۲). گزارش‌های توسعه انسانی (۲۰۰۲) طیف گسترده‌ای از معیارهای ذهنی و عینی سنجش حقوق سیاسی را مشخص کرده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از: آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، قانون و نظم، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، و فساد. شاخص‌های عینی عبارتند از: تعداد انتخابات برگزار شده در دوره‌های گذشته، میزان مشارکت رأی‌دهندگان، سهم کرسی‌های اختصاص‌یافته به زنان در پارلمان، عضویت در اتحادیه تجاری، و تصویب اسناد حقوقی (یوان‌دی‌پی^۳، ۲۰۰۲: ۳۶).

دانشمندان علوم سیاسی دریافته‌اند که جوامع تحت رهبری دولت‌های چپ‌گرا یا لیبرال (که با عنوان دولت‌های رفاه شناخته می‌شوند)، از بالاترین سطح بهزیستی ذهنی برخوردار بوده‌اند (بک^۴، ۲۰۱۰؛ رادکلیف^۵، ۲۰۰۱). در مقابل، روان‌شناسان دریافته‌اند که افراد محافظه‌کار نسبت به افراد لیبرال، بهزیستی ذهنی بیشتری دارند (ناپیر و جست^۶، ۲۰۰۸). به این ترتیب، در مورد چگونگی تأثیر سیاست بر بهزیستی ذهنی، به‌طور هم‌زمان، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. قاعدتاً زمانی که شهروندان در برابر دشواری‌های اقتصادی امنیت نداشته باشند، بهزیستی ذهنی افراد کمتر خواهد بود. هیچ دولتی نمی‌تواند به‌طور کامل شرایط نامطلوب را حذف کند، اما دولت‌های لیبرال، بیشتر تمایل

1. Sen
2. HDR
3. UNDP
4. Bok
5. Radcliff
6. Napier and Jost

دارند که با فراهم کردن یک حائل در برابر این سختی‌ها و کاهش تأثیر آن‌ها بر بهزیستی ذهنی، بیشتر شهروندان را تحت پوشش قرار دهند (هلیول و هانگ^۱، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه عوامل منفی به سطوح پایین بهزیستی ذهنی منجر می‌شوند، تعجب‌آور نیست که بسیاری از دولت‌ها علاقه‌مند به کاهش این عوامل، از طریق اعمال مقررات و سیاست‌های جمعی هستند. در واقع، شادترین کشورهای جهان، یعنی کشورهای اسکانندیناوی، نابرابری درآمدی پایینی دارند و به لحاظ سیاسی، کشورهای لیبرال‌تری به‌شمار می‌آیند (اوکلیز کوزارین^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳۰۱).

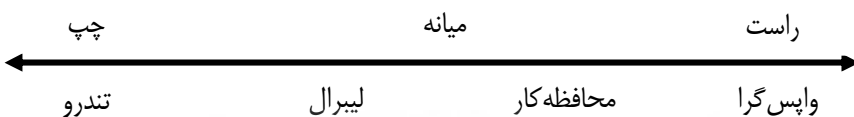
۲-۱. نگرش‌های سیاسی^۳

تعریف‌های متنوعی برای مفهوم «نگرش» وجود دارد. آژن^۴ (۱۹۸۸) نگرش‌ها را «موقعیت‌هایی برای پاسخ‌گویی مطلوب یا نامطلوب به یک موضوع، نهاد، یا رویداد شخصی» تعریف می‌کند (آژن، ۱۹۹۸: ۴). کیسلر^۵ و همکارانش سعی می‌کنند بین نظرات و نگرش‌ها تمایز قائل شوند و می‌گویند: «عقاید باید به‌صورت بیان آشکار یک نگرش پنهان» تعریف شوند (کیسلر و همکاران، ۱۹۶۷: ۴). نگرش‌ها «گرایش‌های روان‌شناختی‌ای هستند که با ارزیابی یک موجودیت خاص با درجه‌ای از خیرخواهی و مغضوبیت بیان می‌شوند» (گروتل^۶، ۲۰۱۰: ۱۰) و نگرش‌های سیاسی، جهت‌گیری‌های منفی یا مثبت در برابر واقعیت‌های سیاسی هستند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۰)؛ این‌گونه نگرش‌ها، به‌معنای دیدگاه‌ها و باورهای کلی افراد در مورد موضوعات مختلف سیاسی-اجتماعی هستند (هستی^۷، ۲۰۰۷: ۴). به‌عبارت دیگر، نگرش‌های سیاسی، رویکردهای مردم به حوزه‌های زندگی عمومی هستند که تحت مطالعه روان‌شناسی سیاسی، مانند دیدگاه‌های ملی‌گرایی، محافظه‌کاری

1. Helliwell and Huang
2. Okulicz-Kozaryn
3. Political Attitudes
4. Ajzen
5. Kiesler
6. Grootel
7. Hastie

سیاسی، لیبرالیسم سیاسی، و رادیکالیسم سیاسی هستند و اغلب در دامنه بسیار رادیکال و بسیار واپس‌گرا قرار می‌گیرند (اونیل، ۱۳۹۱: ۸۶). به‌طور کلی می‌توان نگرش سیاسی را به‌معنای دانش، مهارت، اعتقادات، و ارزش‌هایی دانست که مبانی عملکرد یک نظام سیاسی خاص را شکل می‌دهند و همچنین، زمینه‌ساز قضاوت‌های مثبت و منفی افراد در مورد نظام سیاسی می‌شوند.

پاتریک اونیل در کتاب «مبانی سیاست تطبیقی» نگرش‌های سیاسی را به چهار دسته تقسیم می‌کند که به‌صورت زیر از چپ به راست دسته‌بندی می‌شوند:



۱. تندروها در منتهی‌الیه سمت چپ قرار دارند. تندروی به‌طور معمول باور به ایجاد تغییرات شگرف و انقلابی در نظم سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی موجود تعریف می‌شود. این گروه بر این باورند که نظام موجود در هم شکسته است و نمی‌توان به‌آسانی آن را بازسازی کرد و وضعیت آن را ارتقا بخشید، بلکه این نظام را باید کنار گذاشت و نظم جدیدی را جایگزین آن کرد. به‌نظر تندروها، تنها زمانی که کل ساختار سیاسی دگرگون و بازسازی شود، امکان بهبود اوضاع سیاست فراهم خواهد شد. به‌همین دلیل، ممکن است تندروها خشونت را بخش ضروری یا گریزناپذیری از سیاست بدانند و به آن گرایش داشته باشند.

۲. لیبرال‌ها همچون تندروها، بر این نظرند که برای بهتر کردن اوضاع سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی موجود، لازم است که تغییرات زیادی انجام شود؛ بنابراین، آن‌ها نیز از تغییرات گسترده حمایت می‌کنند، اما به‌جای دگرگونی انقلابی به دگرگونی تدریجی باور دارند. از این دیدگاه، تغییرات تدریجی و روبه‌جلو را می‌توان با تغییرات در نظام موجود پیش برد و نیازی به سرنگونی نظام نیست. لیبرال‌ها بر این نظرند که اگرچه ممکن است ایجاد تغییرات لازم باشد، با این حال، نظام موجود در بنیاد خود ناعادلانه یا درهم‌شکسته نیست؛ بنابراین، تغییرات را می‌توان با روندهای سیاسی دنبال کرد.

۳. محافظه‌کاران در مورد این ایده که تغییر به‌خودی‌خود خوب است، تردید

دارند. به گفته آن‌ها، تغییر به جای اینکه پیامد مثبتی داشته باشد، سبب ازهم‌گسیختگی امور می‌شود و در نتیجه، پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای به همراه خواهد آورد. به نظر محافظه‌کاران، دولت و رژیم، ساختارهای بااهمیتی هستند که پایه نظم و دوام سیاست، اقتصاد، و جامعه را فراهم می‌کنند؛ بنابراین، دست زدن غیرضروری به این نظام‌ها، خطرناک است. به گفته محافظه‌کاران، چنانچه تغییرات بیش‌ازحدی در نهادهای موجود به وجود آید، ممکن است مشروعیت نظام تضعیف شود و ارزش‌ها و هنجارهایی که اجزای جامعه را به هم پیوند می‌زنند، از بین بروند. همچنین، محافظه‌کاران در مورد حل‌شدنی بودن مشکلاتی که تندرورها و لیبرال‌ها بر روی آن‌ها دست می‌گذارند، ابراز تردید می‌کنند. آن‌ها بر این نظرند که تغییر در بهترین حالت، رشته‌ای از مشکلات را جایگزین دسته‌ای دیگر خواهد کرد، و در بدترین حالت، درعمل، بیش از آنکه مشکلی را حل کند، بر دامنه آن خواهد افزود.

۴. واپس‌گرایان در زمینه مخالفت با تغییرات تدریجی یا انقلابی، به محافظه‌کاران شباهت دارند. درعین‌حال، آن‌ها برخلاف محافظه‌کاران و در شباهت با تندرورها، نظم موجود را از بنیان، غیرقابل‌پذیرش می‌دانند؛ باین‌حال، در واپس‌گرایی، به جای توجه به دگرگونی نظام موجود به‌منظور ایجاد نظامی نوین، برقرار کردن نهادهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی خاص موجود در گذشته، موردنظر است. واپس‌گرایان از بازگرداندن ارزش‌های قدیمی‌تر و بازگشت به گذشته، یعنی به‌سوی رژیم یا دولتی که به نظر آن‌ها برتر از نظم موجود بوده است، حمایت می‌کنند. برخی از واپس‌گرایان، حتی به دوره خاصی از تاریخ توجه نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند به گذشته‌ای آرمانی که در تصور آن‌ها وجود دارد، بازگردند؛ درحالی‌که چنین گذشته‌ای هرگز در عالم واقع وجود نداشته است. واپس‌گرایان، همچون تندرورها، تمایل دارند که برای پیشبرد اهداف خود از خشونت بهره بگیرند (اونیل، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۶).

۳-۱. نظریه زیست‌پذیری و نگرش سیاسی جمعی

نظریه زیست‌پذیری ادعا می‌کند، دولت‌ها بر منافع شهروندان خود تأثیر می‌گذارند (ونون، ۲۰۰۸). از این دیدگاه، «بهبود شرایط زندگی یک فرد می‌تواند سبب

بهزیستی بیشتر شود» (اوکلیز کوزارین و همکاران، ۲۰۱۲)؛ به این ترتیب، انتظار می رود در صورتی که سیاست های دولت، امکانات جمعی را فراهم کند و شرایط زیست پذیری و نیازهای شهروندان و تاحدودی، خواسته های آنها را برآورده کند، بهزیستی ذهنی افزایش یابد (رادکلیف، ۲۰۰۱). مشکل دولت ها این است که بیشتر، از احزاب سیاسی متفاوتی تشکیل شده اند که دیدگاه های واگرای آنها اغلب سبب مخالفت با اموری می شود که به امکانات جمعی و چگونگی تخصیص آنها به شهروندان مربوط است (ون اورسکات^۱، ۲۰۰۶)؛ در حالی که نگرش سیاسی جمعی کشورها در یک پیوستار قرار می گیرد که می تواند با ترکیبی از جمعیت شهروندان در هر دو سوی طیف باشند. روی هم رفته، دولت های لیبرال یا چپ یک سو و حکومت های محافظه کار یا جناح راست، انتهای دیگر این پیوستار سیاسی را اشغال می کنند (هیبس^۲، ۱۹۷۷).

بر پایه نظریه زیست پذیری، دانشمندان علوم سیاسی تمایل دارند که حکومت های لیبرال یا چپ گرا را با افزایش بهزیستی برابر پندارند (بک، ۲۰۱۰؛ رادکلیف، ۲۰۰۱؛ پک و رادکلیف، ۲۰۰۸) و بر این نظرند که فقدان رفاه و اتکا به بازار آزاد، سبب کاهش بهزیستی خواهد شد. لین^۳ (۲۰۰۰) ادعا می کند که چون بازارها به سرنوشت افراد بی توجه هستند و هیچ شبکه امنیتی ای برای محافظت از شهروندان در برابر مشکلات اقتصادی وجود ندارد، بهزیستی ذهنی کاهش می یابد. بیشتر دولت های لیبرال تمایل دارند که تلاش های بیشتری برای تضمین مراقبت های بهداشتی بهتر، آموزش عمومی، و سیستم های بازنشستگی انجام دهند و برای محافظت از شهروندان خود در برابر اثرات جانبی اقتصاد بازار (مانند بیکاری) کار بیشتری انجام دهند (اسکراگس و آلن^۴، ۲۰۰۶). همچنین، آنها فعالانه در پی کاهش نابرابری درآمدی ای هستند که عموماً با بهداشت ضعیف، جرم، و بدبختی در میان

-
1. Van Oorschot
 2. Hibbs
 3. Lane
 4. Scruggs and Allan

شهروندان ارتباط دارد (ویلکینسن و پیکت^۱، ۲۰۰۶). از این دیدگاه، فراهم کردن بسترها و فرصت‌های برابر برای آزادی‌های اساسی (آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اندیشه، و...) سبب بهزیستی ذهنی افراد می‌شود که در نهایت، به نفع کل اجتماع و مجموعه نظام سیاسی خواهد بود.

۴-۱. نظریه توجیه سیستم و نگرش سیاسی فردی

در حالی که نظریه زیست‌پذیری، پیش‌بینی می‌کند که لیبرالیسم در سطح کشور، بهزیستی ذهنی را افزایش می‌دهد، نظریه توجیه سیستم، الگوی متفاوتی را برای افراد پیش‌بینی می‌کند. نظریه توجیه سیستم ادعا می‌کند که بیشتر مردم به حمایت و توجیه عقلانی وضعیت موجود گرایش دارند و بر این باورند که وضعیت سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی فعلی از فرایندهای نسبتاً منصفانه و قانونی به دست آمده است (جاست و هانیدی^۲، ۲۰۰۳؛ جاست و همکاران، ۲۰۰۲). همچنین، این نظریه ادعا می‌کند که مردم به این دلیل که تمایل دارند خودشان و جهان را به طور کلی عادلانه و شایسته ببینند، در مورد اقدام برای اخلال در نابرابری‌ها، تردید دارند (بنابو و تیروله^۳، ۲۰۰۶). هدف از طرح ایدئولوژی توجیه سیستم تا حدودی این است که افراد را با ساختار شناختی برای مقابله با بی‌اطمینانی و تهدیدات آماده کند (لورین^۴ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ به این ترتیب، افراد برای باور به عدالت، مشروعیت، و شایستگی نظام سیاسی-اجتماعی خود (یعنی حفظ ساختار) برانگیخته می‌شوند، زیرا آشکار شدن نقاط ضعف و تناقضات موجود، سبب بدبینی در مورد دستاوردهای نظام می‌شود و توانایی آن‌ها را در پیش‌بینی علت و معلول و درک آن‌ها را از جهان کاهش می‌دهد که همه این موارد، بی‌ثباتی و فساد سیستم را نشان می‌دهد (جاست و هانیدی، ۲۰۰۳).

ناپیر و جاست^۵ (۲۰۰۸) در بررسی اخیر خود مبنی بر اینکه «محافظه‌کاران شادتر از لیبرال‌ها هستند، به این نتیجه رسیده‌اند که یک عامل مهم در راستای

1. Wilkinson and Pickett
2. Jost and Hunyady
3. Benabou & Tirole
4. Laurin
5. Napier and Jost

حمایت از توجیه سیستم، نگرش سیاسی افراد است (ناپیر و جاست، ۲۰۰۸: ۵۶۵). آن‌ها دریافته‌اند که احتمال توجیه سیستم توسط افراد محافظه‌کارتر بیشتر است و به گونه‌ای شگفت‌انگیز، بهزیستی ذهنی بالایی را نیز گزارش می‌دهند، زیرا کسانی که به لحاظ سیاسی محافظه‌کارتر هستند به‌رغم هرگونه شرایط نامطلوب در کشوری که در آن زندگی می‌کنند — مشروعیت اجتماعی، سیاسی، و واقعیت اقتصادی کشورشان را می‌پذیرند و تأیید می‌کنند. این پذیرش و تأیید، سبب ایجاد این باور می‌شود که افراد جامعه، مسئول پیامدهای همه امور هستند و در نهایت، چیزی را که سزاوار آن هستند، به دست می‌آورند (به‌عنوان مثال، وضع موجود را توجیه عقلانی می‌کنند). این تمایل به توجیه وضع موجود به‌عنوان «کارکرد تسکین‌دهنده توجیه ایدئولوژی سیستم» عمل می‌کند (جاست و هانیدی، ۲۰۰۳؛ ناپیر و جاست، ۲۰۰۸: ۵۶۵)؛ بنابراین، ناپیر و جاست ادعا می‌کنند، افراد محافظه‌کارتر، بهزیستی ذهنی بالاتری دارند، زیرا بسیاری از عواملی را که در غیراین‌صورت ممکن است بر بهزیستی ذهنی‌شان تأثیر منفی بگذارد (مانند بیکاری، نابرابری، مراقبت‌های بهداشتی، و آموزش) نادیده می‌گیرند یا توجیه عقلانی می‌کنند. دیتوماسو^۱ (۲۰۱۳) در حمایت از این دیدگاه نشان می‌دهد، افراد دارای باورهای محافظه‌کارانه بیشتر ممکن است بیش از دیگران بیکاری را به تنبلی نسبت دهند تا به مسائل ساختاری درون نظام سیاسی اجتماعی؛ برعکس، کسانی که دیدگاه‌های لیبرال‌تری دارند، بهزیستی ذهنی پایین‌تری را گزارش می‌دهند، زیرا آن‌ها از عملکرد تسکین‌دهنده کمتری برخوردار می‌شوند؛ یکی از دلایل این رفتار، همبستگی و همدلی بیشتر آن‌ها با افرادی است که شرایط نامساعدی را تجربه می‌کنند (ناپیر و جاست، ۲۰۰۸؛ ساوانی و راتان^۲، ۲۰۱۲).

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر، به‌ویژه در سطح مطالعات داخلی، با فقر منابع روبه‌رو هستیم؛ با این حال، برای آشنایی بیشتر با اندک پژوهش‌های انجام‌شده و بهره‌گیری از

1. DiTomaso

2. Savani and Rattan

آن‌ها برای غنی‌تر شدن محتوای موضوع، به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم: *مرادی* (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مقایسه نگرش‌های سیاسی محافظه‌کار، اصلاح‌طلب، و رادیکال دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران» نشان داده است که بین نگرش سیاسی محافظه‌کارانه و رادیکال در دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری وجود دارد، ولی در مؤلفه نگرش سیاسی اصلاح‌طلبی، تفاوت معناداری بین دو جنس وجود نداشت.

رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با استفاده از الگوی ارزش‌های بنیادین شوارتز (آمادگی برای تغییر، حفاظت، خودافزایی، و تعالی) — به بررسی تأثیرات ارزش‌های فرهنگی بر نگرش سیاسی و اقتصادی شهروندان شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ارزش تعالی (شامل ارزش‌های جهان‌گرایی و خیرخواهی) باعث گرایش شهروندان به تفکرات سوسیالیسم اقتصادی می‌شود و افرادی که ارزش‌های تعالی ضعیف‌تری دارند، بیشتر به سوی بازار آزاد در حوزه‌های اقتصادی گرایش پیدا می‌کنند. افزون‌براین، یافته‌های آن‌ها در مورد نگرش‌های سیاسی نشان می‌دهد، درحالی‌که ارزش‌های آمادگی برای تغییر، خودافزایی، و تعالی، افراد را به سوی گروه‌های سیاسی دموکراتیک سوق می‌دهند، ارزش حفاظت، باعث گرایش افراد به گروه‌های سیاسی محافظه‌کار می‌شود.

ایسایسون^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان داده‌اند که شهروندان دموکراسی‌ها، هنگام تصمیم‌گیری در مورد میزان حمایت و پیروی از مقامات دولتی، از بهزیستی ذهنی خود به‌عنوان معیار ارزیابی استفاده می‌کنند. زمانی که زندگی رضایت‌بخش باشد، مقامات از حمایت برخوردار می‌شوند و هنگامی که بهزیستی ذهنی از حد موردانتظار پایین‌تر بیاید، شهروندان با عدم حمایت خود، مقامات را مجازات می‌کنند.

سنگوپتا و سیبلی^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی بیان کرده‌اند که در جوامع سرمایه‌داری، افرادی که بالاترین جایگاه را در سلسله‌مراتب اقتصادی دارند، به گونه‌ای برجسته در گفتمان سیاسی با عنوان «یک درصد» قرار می‌گیرند. هدف

1. Esaiasson

2. Sengupta and Sibley

آن‌ها از انجام این پژوهش، بررسی این شکاف در نیوزیلند بود تا نگرش‌های سیاسی و بهزیستی ذهنی یک درصد را بر توزیع درآمد بررسی کنند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این بود که، در مقایسه با عموم مردم، یک درصد در نیوزیلند به شدت به نظام‌های سیاسی و اقتصادی جامعه مشروعیت می‌بخشد و حمایت کمتری از توزیع دوباره مالیات می‌کند. همچنین آن‌ها، در مقایسه با افراد دیگر، رضایت از زندگی، عزت نفس، و تعلق خاطر بیشتری داشته‌اند؛ بنابراین، یک درصد نه تنها به لحاظ اقتصادی و سیاسی از سیستم کنونی بهره‌مند خواهد شد، بلکه به لحاظ روان‌شناختی نیز می‌تواند سود ببرد. افزون‌براین، دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها در راستای تقویت نابرابری‌ای است که از آن سود می‌برند.

نتایج پژوهش اوکلینز کوزارین و همکاران (۲۰۱۴) نیز حاکی از این است که کشورهای لیبرال‌تر و افراد محافظه‌کارتر، بهزیستی ذهنی بیشتری داشته‌اند؛ این تناقض به این شکل است که هنگامی که جهت‌گیری به لحاظ ارزش‌های وضع شده اندازه‌گیری می‌شود (یعنی آنچه دولت واقعاً انجام می‌دهد)، لیبرالیسم، رفاه ذهنی بیشتری را گزارش می‌دهد، اما هنگامی که سیاست، براساس ارزش‌های حمایتی سنجیده می‌شود (یعنی آنچه افراد باور دارند)، محافظه‌کاری با رفاه ذهنی بیشتری همراه است.

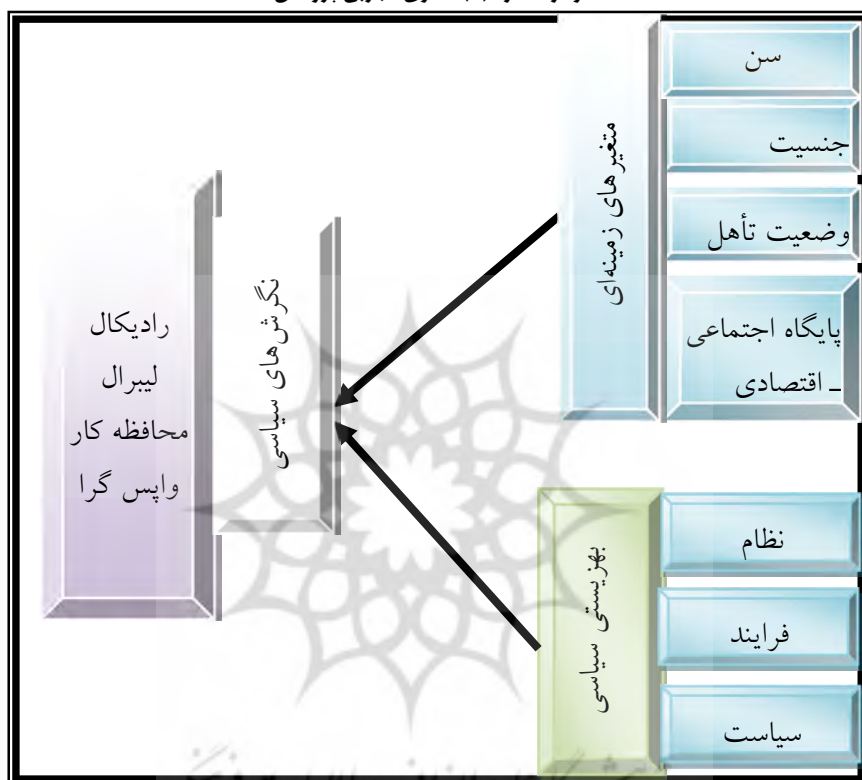
فلاورین و پایک^۱ (۲۰۱۴) ارتباط بین رضایت از زندگی و اولویت‌های سیاسی را در بعضی از کشورها ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که احتمال اینکه پاسخ‌دهندگان با سطوح بالاتر بهزیستی ذهنی، به احزاب سیاسی دارای گرایش محافظه‌کارانه وابسته باشند و عقاید ایدئولوژیک و سیاسی محافظه‌کارانه‌ای را اتخاذ کنند، بیشتر است.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، در مورد بهزیستی، انواع آن، و نگرش‌های سیاسی به صورت مستقل پژوهش‌های متنوعی انجام شده است و هرکدام از آن‌ها به بررسی رابطه متغیرهای محدودی پرداخته است. از نکته‌های بدیع پژوهش حاضر این است که به‌گونه‌ای جامع و کلی به بررسی رابطه بین

1. Sengupta and Sibley

بهزیستی سیاسی و نگرش‌های سیاسی دانشجویان می‌پردازد که برای نخستین بار در ایران مورد کاوش قرار گرفته است. در این راستا، این مقاله درصدد است الگوی تجربی زیر را که برآمده از ادبیات نظری پژوهش است، مورد آزمون قرار دهد.

نمودار شماره (۱). الگوی تجربی پژوهش



منبع: یافته‌های پژوهش

۳. فرضیه‌های پژوهش

الف- فرضیه اصلی

- احساس بهزیستی سیاسی بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیرگذار است.

ب- فرضیه‌های فرعی

- بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی محافظه‌کارانه، رابطه معناداری وجود دارد؛

- بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی لیبرال، رابطه معناداری وجود

دارد؛

- بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی رادیکال، رابطه معناداری وجود دارد؛

- بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی واپس‌گرا، رابطه معناداری وجود دارد؛

- رضایت از کنشگران سیاسی بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- رضایت از نهادهای سیاسی بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- رضایت‌مندی از روش کار و قواعد نظام بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- سن بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- جنسیت بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- وضعیت تأهل بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛

- پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر نوع نگرش سیاسی دانشجویان تأثیر دارد.

۳. روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این پژوهش، «روش پیمایشی»^۱ و از نوع تحلیلی^۲ است که به روابط میان متغیرها توجه دارد. شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته و دربردارنده سه بخش است:

الف- پرسش‌های بخش نخست با ۲۰ گویه برای بهزیستی سیاسی با استفاده از دیدگاه دیوید ایستون^۳ در سه سطح رضایت از کنشگران سیاسی، رضایت از نهادهای سیاسی، و رضایت‌مندی از روش کار و قواعد نظام طراحی شده است؛

ب- پرسش‌های بخش دوم با ۲۱ گویه برای سنجش نگرش سیاسی، برگرفته از پرسش‌نامه لطفی (۱۳۹۲) است که تغییراتی در آن انجام شده است؛

ج- پرسش‌های بخش سوم با ۴ گویه برای سنجش متغیرهای زمینه‌ای.

1. Survey Method

2. Analytical

3. David Easton

جامعه آماری این پژوهش، دربردارنده دانشجویان دانشگاه اردکان است که بنابر آمار رسمی اداره آموزش، تعداد آن‌ها ۲۵۰۰ نفر است. حجم نمونه در این مقاله، براساس فرمول کوکران، ۳۳۲ نفر تعیین شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. هر دانشکده به‌عنوان یک طبقه در نظر گرفته شده و متناسب با جمعیت دانشکده‌های مختلف دانشگاه اردکان (۴ دانشکده)، نمونه مشخص شد، و سپس، با استفاده از روش تصادفی منظم، نمونه موجود در هر دانشکده انتخاب شد. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS و AMOS استفاده شده است.

۴. تعریف عملیاتی متغیرها

۴-۱. متغیر مستقل: احساس بهزیستی سیاسی

احساس بهزیستی سیاسی عبارت است از احساس مثبت و رضایت‌مندی عمومی در مورد نظام سیاسی، مقامات سیاسی، نهادهای سیاسی، و عملکرد آن‌ها که به‌صورت یک احساس خوشایند بازتاب می‌یابد. احساس بهزیستی سیاسی در سه سطح رضایت از کنشگران سیاسی، رضایت از نهادهای سیاسی، و رضایت‌مندی از روش کار و قواعد نظام بررسی می‌شود. این مفهوم با ۵ گویه، از ویژگی‌های شخصیتی‌ای مانند هوش، دانش، توان مدیریتی، و تعهد سنجیده می‌شود. رضایت از نهادهای سیاسی با پرسش از میزان رضایت پاسخ‌گویان از ۳ نهاد دولتی بررسی می‌شود. این نهادها شامل دولت (قوه مجریه)، قوه قضائیه، و مجلس هستند. برای سنجش رضایت از روش کار و قواعد نظام سیاسی، از چهار مقیاس مشروعیت سیاسی (۳ گویه)، رضایت از عملکرد اقتصادی (۳ گویه)، رضایت از عملکرد فرهنگی (۳ گویه)، و رضایت از عملکرد سیاست خارجی (۳ گویه) استفاده می‌شود.

۴-۲. متغیر مستقل: نگرش سیاسی

نگرش سیاسی به‌معنای ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، احساسات، و جهت‌گیری‌های مثبت و منفی افراد درباره موضوع‌ها و واقعیت‌های مختلف سیاسی است که ممکن است به‌صورت آگاهانه، ناآگاهانه، یا تحت تأثیر اطرافیان شکل گیرد. در این

پژوهش، نگرش‌های سیاسی برمبنای دیدگاه/ونیل به چهار دسته تقسیم می‌شوند: تندرو (۵ گویه)، محافظه‌کار (۷ گویه)، لیبرال (۵ گویه)، و واپس‌گرا (۴ گویه) و در مجموع با استفاده از ۲۱ گویه بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی: شاخص‌های مربوط به این متغیر عبارتند از: سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی، و وضعیت مسکن. با توجه به ناهمگن بودن این متغیرها، برای تجمع آن‌ها در فرایند کدگذاری دوباره، ابتدا هریک از متغیرها در سه دسته بالا، متوسط، و پایین دسته‌بندی شدند و سپس، متغیرهای دسته‌بندی‌شده با یکدیگر تجمع شده و نمره متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی به دست آمد.

در پژوهش حاضر از روش ارزیابی اعتبار صوری و اعتبار سازه برای پرسش‌نامه استفاده شد. برای سنجش اعتبار صوری نیز گویه‌های طیف‌های مربوطه پس از طراحی در اختیار متخصصان قرار گرفت. اجماع نظر این افراد به گزینش گویه‌های مناسب برای هر متغیر منجر شد. برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسش‌نامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است، آلفای کرونباخ هریک از متغیرهای بالا در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱) میزان آلفای کرونباخ (پایایی)

ردیف	نام متغیر	ابعاد و شاخص‌ها	تعداد گویه	سطح سنجش	آلفا
۱	بهبودی سیاسی	کنشگران سیاسی	۵	فاصله‌ای	۸۵
		نهادهای سیاسی	۳	فاصله‌ای	۸۲
		روش کار و قواعد نظام	۱۲	فاصله‌ای	۹۰
		کل	۲۰	فاصله‌ای	۹۲
۳	نگرش سیاسی	محافظه‌کار	۷	فاصله‌ای	۸۶
		تندرو	۵	فاصله‌ای	۸۳
		لیبرال	۵	فاصله‌ای	۶۹
		واپس‌گرا	۴	فاصله‌ای	۴۶
		کل	۲۱	فاصله‌ای	۶۴

برای برآورد اعتبار سازه‌ای متغیرهای پژوهش از تکنیک تحلیل عاملی^۱ استفاده شده است. با توجه به اینکه دو متغیر اصلی پژوهش، یعنی بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی هریک دارای ابعاد متفاوتی بودند، لازم شد به منظور برآورد سازه‌ای از

تحلیل عاملی استفاده شود. جدول شماره (۲) یافته‌های مربوط به انجام کفایت نمونه‌برداری و کرویت بارتلت بر روی داده‌های پرسش‌نامه بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود، ضریب به‌دست‌آمده در آزمون کفایت نمونه‌برداری، مناسب بودن داده‌ها را برای انجام تحلیل عامل تأیید می‌کند.

جدول شماره (۲). نتایج آزمون‌های آماری در تحلیل عاملی برای متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر وابسته: نگرش سیاسی		متغیر مستقل: بهزیستی سیاسی	
KMO=۰/۸۸۷	آزمون کفایت نمونه‌برداری	KMO=۰/۹۳۱	آزمون کفایت نمونه‌برداری
B.T=۲۴۵۶/۳۳	آزمون کرویت بارتلت	B.T=۵۷۱۳/۳۵	آزمون کرویت بارتلت
d.f=۲۱۰	درجه آزادی	d.f=۳۰۰	درجه آزادی
Sig...=۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	• Sig...=۰/۰۰۰	سطح معناداری

به‌منظور بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی، از آزمون تحلیل عامل تأییدی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس^۱ برپایه ملاک کیسر استفاده شد. در این مرحله به تعیین تعداد عامل‌ها می‌پردازیم. آماره‌ای که این کار را برای ما انجام می‌دهد، «مقدار ویژه^۲» است. داده‌های جدول شماره (۳)، ویژگی‌های آماری اولیه حاصل از تحلیل عاملی پرسش‌نامه بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی را نشان می‌دهد که برای بهزیستی سیاسی برپایه سه عامل و نگرش سیاسی برپایه چهار عامل با بار ویژه بیشتر از «یک» قرار دارند. همان‌گونه که از نتایج برمی‌آید، سه عامل اصلی برای متغیر بهزیستی سیاسی از تحلیل عامل به‌دست آمده است که ارزش بیشتر از «یک» دارند و در مجموع، حدود ۵۹/۸۳۶ درصد از واریانس نمره‌های مقیاس را تبیین می‌کنند. به‌این ترتیب، عامل نخست با ارزش ویژه ۸/۴۷۳ بیشترین درصد واریانس (۴۲/۳۶۴)، عامل دوم با ارزش ویژه ۲/۳۰۵ درصد واریانس (۱۱/۵۲۷)، عامل سوم با ارزش ویژه ۱/۰۹۹ درصد واریانس (۵/۴۹۵) کل را تبیین می‌کنند. همچنین، چهار عامل اصلی برای متغیر نگرش سیاسی از تحلیل عامل به‌دست آمده است که ارزش بیشتر از «یک» دارند و در مجموع، حدود ۵۳/۹۶۱ درصد از واریانس نمره‌های مقیاس را تبیین می‌کنند.

1. Varimax
2. Eigenvalue

به این ترتیب، عامل نخست با ارزش ویژه ۶/۴۷۱ بیشترین درصد واریانس (۳۰/۸۱۴)، عامل دوم با ارزش ویژه ۲/۱۵۳ درصد واریانس (۱۰/۲۵۴)، عامل سوم با ارزش ویژه ۱/۵۲۸ درصد واریانس (۷/۲۷۶) و عامل چهارم با ارزش ویژه ۱/۱۷۹ درصد واریانس (۵/۶۱۷) کل را تبیین می‌کنند.

جدول شماره (۳). آمارهای اولیه تحلیل عاملی برای متغیرهای اصلی پژوهش

گویه‌ها	ضریب اشتراک	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل ۱	۱	۸/۴۷۳	۴۲/۳۶۴	۴۲/۳۶۴
عامل ۲	۱	۲/۳۰۵	۱۱/۵۲۷	۵۳/۸۹۱
عامل ۳	۱	۱/۰۹۹	۵/۴۹۵	۵۹/۸۳۶
عامل ۱	۱	۶/۴۷۱	۳۰/۸۱۴	۳۰/۸۱۴
عامل ۲	۱	۲/۱۵۳	۱۰/۲۵۴	۴۱/۰۶۸
عامل ۳	۱	۱/۵۲۸	۷/۲۷۶	۴۸/۳۴۴
عامل ۴	۱	۱/۱۷۹	۵/۶۱۷	۵۳/۹۶۱

برای تشخیص این کار از «دوران عامل ۱» استفاده می‌شود؛ یکی از پرکاربردترین روش‌های دوران عامل، «دوران واریماکس^۲» است. این روش، تعلق هر گویه به یک عامل را برای ما مشخص می‌کند. در این روش، ضرایب کم و زیاد ماتریس دوران یافته، تعلق متغیرها به عامل‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. جدول شماره (۴)، شیوه توزیع گویه‌ها در بین عامل‌ها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، هریک از ابعاد بهزیستی سیاسی با استفاده از چند پرسش سنجش شده است و برای هر بُعد این پرسش‌ها با هم گرد شده‌اند: عامل نخست یا خرده‌مقیاس کنشگران سیاسی با ۵ گویه (پرسش‌های ۱ تا ۵)، عامل دوم یا خرده‌مقیاس نهادهای سیاسی با ۳ گویه (پرسش‌های ۶ تا ۸) و عامل سوم یا خرده‌مقیاس روش کار و قواعد نظام با ۱۲ گویه (پرسش‌های ۹ تا ۲۰).

جدول شماره (۴). ماتریس عامل دوران یافته ابعاد و ویژگی های بهزیستی سیاسی

پرسش ها	عامل ۱ کنشگران سیاسی	عامل ۲ نهادهای سیاسی	عامل ۳ روش کار و قواعد نظام
۱. مسئولان کشور از هوش و ظرفیت کافی برای اداره کشور برخوردارند.	۰/۶۹۰	۰/۲۳۷	۰/۲۶۹
۲. مسئولان مملکت، دانش فنی مورد نیاز برای حل مشکلات امروز کشور را دارند.	۰/۸۱۰	۰/۱۵۳	-۰/۰۲۸
۳. مسئولان مملکت می توانند برای مسائل مهم اجتماعی و اقتصادی ای که کشور با آن ها روبه رو است، راه حل پیدا کنند.	۰/۷۸۷	۰/۳۰۹	۰/۰۲۲
۴. مسئولان کشور معمولاً منافع شخصی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح می دهند.	۰/۷۴۶	۰/۱۳۳	۰/۲۶۳
۵. مسئولان کشور تلاش خود را صرف حل مشکلات مردم می کنند.	۰/۷۰۷	۰/۱۹۸	۰/۲۲۸
۶. در حال حاضر چه میزان از عملکرد قوه قضائیه در کشور رضایت دارید؟	۰/۱۱۵	۰/۶۹۷	۰/۲۰۷
۷. در حال حاضر چه میزان از عملکرد دولت در کشور رضایت دارید؟	۰/۲۷۱	۰/۷۳۸	۰/۲۰۳
۸. در حال حاضر چه میزان از عملکرد مجلس شورای اسلامی در کشور رضایت دارید؟	۰/۲۹۲	۰/۷۰۴	۰/۰۳۲
۱۰. افتخار می کنم، تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هستم.	۰/۳۷۶	۰/۳۹۴	۰/۷۲۶
۱۱. من قانون اساسی جمهوری اسلامی را قبول دارم.	۰/۰۰۰	۰/۲۴۶	۰/۸۱۰
۱۲. جمهوری اسلامی ایران، رژیمی برحق است.	۰/۲۳۲	۰/۳۳۹	۰/۷۸۷
۱۳. جمهوری اسلامی تاکنون در اجرای طرح هدفمندی یارانه ها موفق بوده است.	۰/۹۷۵	۰/۴۱۲	۰/۳۴۰
۱۴. جمهوری اسلامی موفق شده است وضع اقتصادی اقشار کم درآمد را بهبود بخشد.	۰/۸۲۵	۰/۳۰۵	۰/۵۵۲
۱۵. در کل، روند رشد اقتصادی در کشور رضایت بخش است.	۰/۸۴۹	۰/۱۷۱	۰/۵۹۹
۱۶. اقدامات جمهوری اسلامی باعث دین دارتر شدن مردم شده است.	۰/۴۴۹	۰/۱۲۱	۰/۶۳۸
۱۷. جمهوری اسلامی در مورد مسئله حجاب عملکرد خوبی داشته است.	۰/۵۱۷	-۰/۰۹۵	۰/۴۷۹
۱۸. عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را تا چه حد رضایت بخش می دانید؟	۰/۶۵۲	۰/۲۲۳	۰/۶۴۴
۱۸. سیاست ایران در قبال فلسطین درست است.	۰/۶۱۲	۰/۶۲۷	۰/۵۱۵
۱۹. موضع فعلی ایران در قبال آمریکا (مبتنی بر عدم رابطه) درست است.	۰/۲۱۰	۰/۵۶۲	۰/۵۷۶
۲۰. سیاست خارجی فعلی باعث افزایش اعتبار و عزت ایران در سطح جهانی شده است.	۰/۱۷۶	۰/۵۸۹	۰/۴۰۸

تأثیر احساس بهزیستی سیاسی بر نگرش های سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اردکان

سیاسی نشان می‌دهد: عامل نخست یا خرده‌مقیاس محافظه‌کار با ۷ گویه (پرسش‌های ۱ تا ۷)، عامل دوم یا خرده‌مقیاس لیبرال با ۵ گویه (پرسش‌های ۸ تا ۱۲)، عامل سوم یا خرده‌مقیاس تندرو با ۵ گویه (پرسش‌های ۱۳ تا ۱۷) و عامل چهارم یا خرده‌مقیاس واپس‌گرا با ۴ گویه (پرسش‌های ۱۸ تا ۲۱).

جدول شماره (۵). ماتریس عامل دوران‌یافته ابعاد نگرش سیاسی

عامل ۴ (واپس‌گرا)	عامل ۳ (تندرو)	عامل ۲ (لیبرال)	عامل ۱ (محافظه‌کار)	پرسش‌ها
-۰/۰۸۲	۰/۱۷۲	-۰/۱۰۴	۰/۶۳۷	۱. جمهوری اسلامی بهترین شکل حکومت برای اداره جامعه است.
۰/۱۰۹	۰/۰۸۴	-۰/۰۱۲	۰/۷۱۴	۲. تغییر در نهادهای سیاسی موجود باعث ازهم‌گسیختگی امور خواهد شد و پیامد مثبتی نخواهد داشت.
-۰/۰۶۳	۰/۲۵۶	-۰/۱۹۴	۰/۷۳۶	۳. ولایت فقیه سایه‌ای از ولایت ولیعصر است و به یک معنا، ولایت ولیعصر است.
-۰/۱۳۵	۰/۰۲۳	-۰/۰۳۶	۰/۷۳۱	۴. آنجا که مذهب، دستورات و تعلیمات صریحی دارد، باید از آن‌ها پیروی کرد و نباید به انطباق آن با عقل پرداخت.
-۰/۰۱۹	۰/۲۴۷	-۰/۱۵۸	۰/۷۶۷	۵. برای کاهش مشکلات موجود در جامعه باید احکام و دستورات اسلامی را سرلوحه قرار داد.
-۰/۰۵۰	۰/۰۲۹	-۰/۰۵۸	۰/۷۲۴	۶. اسلام، ظرفیت همه‌چیز را به ما داده است و قابلیت تطبیق با نیازهای زمانه جدید را دارد.
-۰/۰۷۰	۰/۱۰۳	-۰/۰۰۲	۰/۷۲۰	۷. بیشتر مشکلات موجود در جامعه، در تبانی و توطئه‌چینی قدرت‌های خارجی و دست‌های پنهان آن‌ها ریشه دارد.
۰/۲۴۸	-۰/۱۵۹	۰/۶۵۷	-۰/۰۵۶	۸. در چارچوب نظام حاکم، دین باید از سیاست جدا شود.
-۰/۰۳۰	۰/۱۰۶	۰/۶۹۹	-۰/۱۰۶	۹. تنها راه برطرف کردن مشکلات موجود در جامعه انجام اصلاحات تدریجی است.
-۰/۰۹۶	-۰/۲۲۵	۰/۵۳۵	۰/۰۸۴	۱۰. احزاب سیاسی باید در جامعه گسترش و آزادی عمل داشته باشند.
۰/۲۳۵	-۰/۱۲۰	۰/۵۳۰	-۰/۴۱۰	۱۱. اختیارات ولی فقیه باید متکی به قانون اساسی باشد.
۰/۰۹۹	-۰/۱۲۲	۰/۷۰۹	-۰/۰۸۵	۱۲. درهای ارتباطی کشور باید به روی تمام جهان باز باشد و از تجارب سایر کشورها استفاده کنیم.
۰/۰۲۳	۰/۵۹۸	-۰/۱۹۶	۰/۴۷۴	۱۳. تنها زمانی که کل ساختار سیاسی موجود دگرگون شود و نهادهای سیاسی حکومت، رژیم، و دولت بازسازی شوند، امکان بهبود اوضاع سیاسی فراهم خواهد شد.
-۰/۱۴۷	۰/۷۲۰	-۰/۱۵۶	۰/۳۷۱	۱۴. تمام مفاد و اصول قانون اساسی باید تغییر کند.
۰/۱۷۴	۰/۴۱۳	-۰/۵۲۱	۰/۳۷۵	۱۵. تنها راه گریز از مشکلات موجود در جامعه تغییر نظام است.
-۰/۰۱۴	۰/۷۹۹	-۰/۱۶۴	۰/۱۹۱	۱۶. نهادهای نظم قدیم به سبب بی‌تحرکی و سستی جامعه حفظ شده‌اند و به دلخواه خود نیز تغییر نمی‌کنند، بلکه باید آن‌ها را با به‌کارگیری زور نابود کرد.
-۰/۰۹۸	۰/۴۱۸	-۰/۲۱۳	۰/۵۶۷	۱۷. با بالا بردن آگاهی عمومی و بسیج توده‌ای می‌توان

				نهادهای موجود را تغییر داد.
۰/۵۸۰	--/۲۲۱	۰/۰۹۸	--/۰۱۶	۱۸. نظم موجود غیرقابل پذیرش است و باید به هر طریق ممکن آن را از بین برد.
۰/۵۱۷	۰/۲۳۵	۰/۲۰۱	--/۱۸۰	۱۹. به جای جمهوری اسلامی باید حکومت اسلامی ناب شکل بگیرد.
۰/۶۳۸	۰/۱۷۸	۰/۰۶۳	--/۲۲۹	۲۰. برای بازگشت به دوران شکوه و عظمت ایران باید نهادهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی خاصی که در گذشته وجود داشته است را احیا کرد.
۰/۶۴۷	--/۲۱۷	۰/۰۴۳	۰/۱۵۸	۲۱. به طور طبیعی مردان در مقایسه با زنان دارای هوش، ذکاوت، و شایستگی‌های بیشتری برای احراز مناصب و مسئولیت‌های سطح بالای حکومتی هستند.

۵. یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۶) نشان‌دهنده توزیع ابعاد سه گانه بهزیستی سیاسی (کنشگران سیاسی، نهادهای سیاسی، و روش کار و قواعد نظام) است. این متغیر در بردارنده ۲۰ گویه است. جمع نمره‌های کل ابعاد می‌تواند بین نمره ۲۰ (حداقل نمره) و نمره ۱۰۰ (حداکثر نمره) باشد. نتایج به دست آمده از میانگین بهزیستی سیاسی در بُعد کنشگران سیاسی نشان می‌دهد که این متغیر دارای حداقل (نمره ۵) و حداکثر (نمره ۲۵) است. میانگین این متغیر برابر با ۱۱/۴۷ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۱۵) پایین تر است. میانگین بُعد نهادهای سیاسی برابر با ۶/۰۷ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۹) پایین تر است. در مورد بُعد روش کار و قواعد نظام، نتایج نشان می‌دهد که این متغیر، دارای حداقل (نمره ۱۲) و حداکثر (نمره ۶۰) است. میانگین این متغیر، برابر با ۳۸/۱۷ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۳۶) بالاتر است. می‌توان استنباط کرد که میانگین بُعد روش کار و قواعد نظام از بهزیستی سیاسی برای افراد، از میانگین موردانتظار بالاتر است. در نهایت، میانگین نمره بهزیستی سیاسی برابر با ۵۵/۷۲ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۶۰) پایین تر است.

جدول شماره (۶). توزیع میانگین ابعاد بهزیستی سیاسی بر اساس شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	میانگین موردانتظار	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
بُعد کنشگران سیاسی	۱۱/۴۷	۱۵	۴/۲۰	۵	۲۵
بُعد نهادهای سیاسی	۶/۰۷	۹	۲/۸۹	۳	۱۵
بُعد روش کار و قواعد نظام	۳۸/۱۷	۳۶	۱۱/۱۸	۱۲	۶۰
کل	۵۵/۷۲	۶۰	۱۵/۸۹	۲۰	۱۰۰

داده‌های جدول شماره (۷) نشان‌دهنده توزیع انواع نگرش‌های سیاسی (محافظه‌کار، لیبرال، تندرو، و واپس‌گرا) است. این متغیر، شامل ۲۱ گویه است. جمع نمره‌های کل ابعاد می‌تواند بین نمره ۲۱ (حداقل نمره) و نمره ۱۰۵ (حداکثر نمره) باشد. نتایج به‌دست‌آمده از میانگین نگرش سیاسی محافظه‌کارانه نشان می‌دهد که این متغیر، دارای حداقل نمره ۷ و حداکثر نمره ۳۵ است. میانگین این متغیر، برابر با ۲۹/۹۷ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۲۱) بالاتر است. میانگین نگرش سیاسی لیبرال، برابر با ۱۷/۰۹ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۱۵) بالاتر است. نتایج مربوط به نگرش سیاسی رادیکال نشان می‌دهد که این متغیر، دارای حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره ۲۵ است. میانگین این متغیر، برابر با ۱۶/۵۰ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۲۵) پایین‌تر است. همچنین، نتایج مربوط به نگرش سیاسی واپس‌گرا نشان می‌دهد که این متغیر، دارای حداقل (نمره ۴) و حداکثر (نمره ۲۰) است. میانگین این متغیر، برابر با ۱۲/۹۱ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۱۲) بالاتر است. درنهایت، میانگین نمره نگرش سیاسی، برابر با ۷۶/۴۷ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۶۳) بالاتر است.

جدول شماره (۷). توزیع میانگین انواع نگرش‌های سیاسی برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	میانگین موردانتظار	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
محافظه‌کارانه	۲۹/۹۷	۲۱	۵/۴۰	۷	۳۵
لیبرال	۱۷/۰۹	۱۵	۴/۴۳	۵	۲۵
تندرو	۱۶/۵۰	۲۵	۵/۲۵	۵	۲۵
واپس‌گرا	۱۲/۹۱	۱۲	۳/۱۹	۴	۲۰
کل	۷۶/۴۷	۶۳	۹/۰۷	۲۱	۱۰۵

۵-۱. آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بهزیستی سیاسی بر نگرش سیاسی دانشجویان تأثیرگذار است. جدول شماره (۸)، معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیر مستقل بهزیستی سیاسی را برای پیش‌بینی متغیر نگرش سیاسی نشان می‌دهد. نتایج گنجانده‌شده در جدول نشان می‌دهد که برای متغیر بهزیستی سیاسی، مقدار T برابر $T=7/14$ و ضریب معناداری $P=0/000$ است. مقدار R برابر است با $0/37$ که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار R^2 یا ضریب تعیین، نشان‌دهنده این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته، یعنی نگرش سیاسی، تحت تأثیر متغیر

مستقل، یعنی بهزیستی سیاسی بوده که در جدول شماره (۸) عدد $0/13$ به دست آمد و بقیه تغییرات متغیر وابسته، به سایر عوامل مربوط است. این جدول نشان می‌دهد که مدل رگرسیون می‌تواند به‌طور معناداری تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری ($P=0/000$) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است؛ بنابراین، فرضیه یادشده تأیید می‌شود.

جدول شماره (۸). نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی نگرش سیاسی

متغیر پیش‌بین	B	(SE)	(Beta)	T	P
مقدار ثابت	۶۴/۶۹	۱/۷۱	-	۳۷/۷۳	۰/۰۰۰
بهزیستی سیاسی	۰/۲۱	۰/۰۳	۳۷/۱	۷/۱۴	۰/۰۰۰
R= ۰/۳۷		R2= ۰/۱۳		ADJ.R2= ۰/۱۳	

داده‌های جدول شماره (۹) ضریب همبستگی بین احساس بهزیستی سیاسی و نوع نگرش سیاسی دانشجویان را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های پژوهش، احساس بهزیستی سیاسی با انواع نگرش‌های سیاسی، دارای رابطه معناداری است؛ به این معنا که با افزایش احساس بهزیستی سیاسی دانشجویان، نگرش‌های سیاسی آن‌ها نیز تغییر می‌کند. با توجه به نتایج به دست آمده، بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی محافظه‌کارانه، رابطه معناداری وجود دارد. در اینجا ضریب همبستگی برای این متغیر برابر با $0/50-$ با سطح معناداری $p=0/000$ است. این ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین این دو متغیر، رابطه همبستگی منفی (معکوس) وجود دارد، یعنی با افزایش احساس بهزیستی سیاسی، گرایش فرد به سوی محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. این نتیجه در مورد همبستگی بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش‌های سیاسی رادیکال و واپس‌گرا نیز صادق است؛ به این معنا که هرچه افراد، احساس بهزیستی سیاسی بالاتری داشته باشند، گرایش آن‌ها به سوی نگرش‌های سیاسی رادیکال و واپس‌گرایانه کاهش می‌یابد. همچنین، براساس داده‌های جدول شماره (۹)، بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی لیبرال، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی برای این متغیر، برابر با $0/48$ با سطح معناداری $p=0/001$ است. این ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین این دو متغیر، رابطه همبستگی مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش احساس بهزیستی سیاسی افراد، نگرش لیبرالی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه یادشده تأیید می‌شود و قابل تعمیم به کل جامعه آماری است.

جدول شماره (۹). نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین احساس بهزیستی سیاسی و نوع نگرش سیاسی

دانشجویان

احساس بهزیستی سیاسی		نگرش سیاسی
سطح معناداری (p)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
۰/۰۰۰	-۰/۵۰	محافظه کار
۰/۰۰۱	۰/۴۸	لیبرال
۰/۰۰۰	-۰/۶۸	تندرو
۰/۰۰۶	-۰/۱۹	واپس‌گرا
۰/۰۰۰	۰/۳۷	کل

۲-۵. فرضیه‌های فرعی

جدول شماره (۱۰)، معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیرهای مستقل را برای پیش‌بینی متغیر نگرش سیاسی نشان می‌دهد. ستون P نشانگر سطح معناداری است و این یافته نشان می‌دهد، هیچ‌یک از دو متغیر کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی نتوانسته‌اند نوع نگرش سیاسی را پیش‌بینی کنند. متغیر روش کار و قواعد نظام با مقدار T برابر ۸/۲۴ و ضریب معناداری $P=۰/۰۰۰$ است. مقدار R برابر است با ۰/۴۴ که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار R2 یا ضریب تعیین، مشخص می‌کند که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته، یعنی نگرش سیاسی، تحت تأثیر متغیر روش کار و قواعد نظام بوده است که در جدول شماره (۱۰)، عدد ۰/۲۰ به دست آمد و بقیه تغییرات متغیر، به سایر عوامل وابسته است. داده‌های این جدول به بررسی این نکته پرداخته است که آیا مدل رگرسیون می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری $P=۰/۰۰۰$ بیانگر این است که مدل رگرسیونی برای این متغیر، معنادار است.

جدول شماره (۱۰). نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی نگرش سیاسی

P	T	(Beta)	(SE)	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۰	۳۷/۰۹	-	۱/۷۱	۶۳/۷۰	مقدار ثابت
۰/۳۳۹	-۰/۹۷	-۰/۰۶	۰/۱۳	-۰/۱۳	کنشگران سیاسی
۰/۰۸۲	-۱/۷۴	-۰/۱۲	۰/۲۱	-۰/۳۸	نهادهای سیاسی
۰/۰۰۰	۸/۲۴	۰/۵۳	۰/۰۵	۰/۴۳	روش کار و قواعد نظام
ADJ.R2=۰/۱۹		R2=۰/۲۰		R=۰/۴۴	

جدول شماره (۱۱) معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل برآوردی متغیرهای زمینه‌ای را برای پیش‌بینی متغیر نگرش سیاسی نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که هیچ‌یک از سه متغیر سن، جنسیت، و پایگاه اجتماعی نتوانسته‌اند نوع نگرش سیاسی را پیش‌بینی کنند. متغیر وضعیت تأهل با مقدار T برابر $T=3/67$ و ضریب معناداری $P=0/000$ است. مقدار R برابر است با $0/20$ که شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار R^2 یا ضریب تعیین مشخص می‌کند که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته، یعنی نگرش سیاسی، تحت تأثیر متغیر وضعیت تأهل بوده که در جدول شماره (۱۱) عدد $0/04$ به دست آمد و بقیه تغییرات متغیر وابسته، به سایر عوامل مربوط است. داده‌های این جدول مشخص می‌کند که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به گونه‌ای معنادار، تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند که در اینجا سطح معناداری $P=0/000$ بیانگر این است که مدل رگرسیونی برای این متغیر وضعیت تأهل، معنادار است.

جدول شماره (۱۱). نتایج تحلیل رگرسیون خطی ساده به سبک ورود برای پیش‌بینی نگرش سیاسی

P	T	(Beta)	(SE)	B	متغیرهای پیش‌بین
0/000	18/25	-	4/13	75/40	مقدار ثابت
0/819	-0/22	-0/01	0/16	-0/03	سن
0/832	-1/21	-0/01	1/00	-0/21	جنسیت
0/000	3/67	0/21	1/4	3/84	وضعیت تأهل
0/912	0/11	0/006	1/00	0/11	پایگاه اجتماعی
ADJ.R2=0/04		R2=0/04		R=0/20	

۳-۵. مدل معادلات ساختاری

برای بررسی متغیرهای نهفته و پنهان در پژوهش که به عنوان سازه‌های نظری مطرح هستند و محاسبه خطاهای اندازه‌گیری، از مدل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار Amos 21 استفاده شد. مدل عاملی، تأییدی نظریه‌محور است، یعنی از پیش مشخص می‌کند که چند عامل داریم و اسم هر یک از عامل‌ها چیست؟ نگرش‌های سیاسی^۱، به عنوان متغیر وابسته، از چهار بُعد محافظه‌کار^۲، لیبرال^۳، تندرو^۴، و

1. Political Attitudes

2. Conservative

واپس‌گرا^۳ تشکیل شده است. با توجه به اینکه در این مطالعه، پژوهشگر براساس زیربنای نظری مشخص کرده است که چند مؤلفه تعریف‌کننده یک عامل هستند، از مدل عاملی تأییدی استفاده شد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که می‌توان نگرش‌های سیاسی را با استفاده از یک مدل عاملی مرتبه دوم سنجید. براین اساس، هریک از ابعاد چهارگانه آن، به‌عنوان یک سازه یا متغیر پنهان تعریف شدند و این چهار متغیر به‌نوبه خود، در نقش معرف‌های نگرش‌های سیاسی به‌عنوان سازه پنهان و وابسته در مدل ساختاری قرار گرفتند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند، افزون‌بر هماهنگی درونی مؤلفه‌های تعریف‌شده برای هریک از مقیاس‌های فرعی، روایی واگرا نیز برقرار است. معیارهای برازش مدل عاملی نگرش‌های سیاسی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند، مقدار کای اسکوتر غیرمعنادار (CMIN) برابر با ۲۴۶/۱۷۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتیجه مطلوبی را نشان نمی‌دهد، اما از آنجاکه در مطالعات با حجم نمونه بالا، مقدار کای اسکوتر غیرمعنادار تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد و قابل اطمینان نیست، از شاخص‌های نیکویی برازش دیگر استفاده می‌شود. شاخص ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها در مدل یادشده، برابر ۰/۰۸۳ است که برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص برازش تطبیقی CFI برابر ۰/۹۶۵ و شاخص توکر لوئیس (شاخص برازش هنجارنشده یا TLI با مقدار ۰/۹۵۵ بازتاب‌دهنده یک مدل خوب است. کای اسکوتر نسبی در مدل، برابر ۱/۴۹۲ و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب برابر ۰/۰۳۹ که نزدیک به صفر بوده و برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص برازش شده تطبیقی مقتصد PCFI برابر ۰/۷۵۸ است. شاخص هلتر^۴ برای به‌دست آوردن کای اسکوتر در سطح معناداری ۰/۰۵ حجم نمونه را برابر ۲۵۷ و در سطح معناداری ۰/۰۱ حجم نمونه را برابر ۲۷۵ تأیید می‌کند.

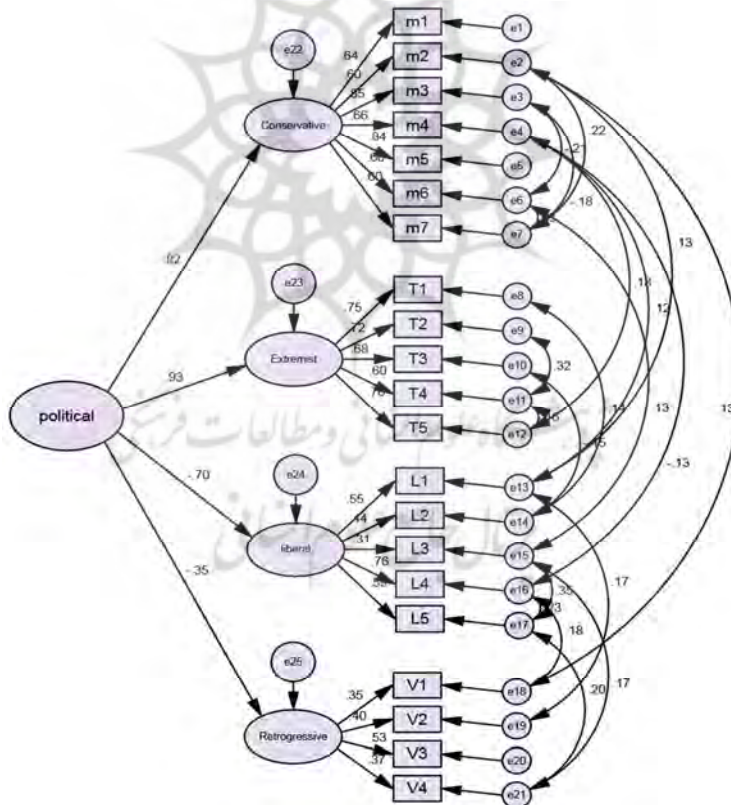
1. Liberal
2. Radical
3. Reactionary
4. Hoelter

جدول شماره (۱۲). شاخص‌های کلی برازش برای مدل عاملی نگرش‌های سیاسی

شاخص	مدل اصلی	مدل اصلاح شده		شاخص	مدل اصلی	مدل اصلاح شده	
		مرحله نخست	مرحله دوم			مرحله نخست	مرحله دوم
CMIN	۵۰۳/۰۹۰	۲۹۵/۵۳۷	۲۴۶/۱۷۱	PGFI	۰/۶۹۶	۰/۶۸۹	۰/۶۶۷
DF	۱۸۵	۱۷۳	۱۶۵	CFI	۰/۸۶۲	۰/۹۴۷	۰/۹۶۵
P	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	TLI	۰/۸۴۴	۰/۹۳۶	۰/۹۵۵
CMIN/DF	۲/۷۱۹	۱/۷۰۸	۱/۴۹۲	PCFI	۰/۷۶۰	۰/۷۸۰	۰/۷۵۸
RMR	۰/۱۰۸	۰/۰۹۰	۰/۰۸۳	RMSEA	۰/۰۷۳	۰/۰۴۷	۰/۰۳۹
GFI	۰/۸۷۰	۰/۹۲۰	۰/۹۳۴	AIC	۵۹۵/۰۹۰	۴۱۱/۵۳۷	۳۷۸/۱۷۱
AGFI	۰/۸۳۷	۰/۸۹۳	۰/۹۰۸	Hoelter	در سطح ۰/۰۵ برابر ۲۵۷ و ۰/۰۱ برابر ۲۷۵		

نتایج به دست آمده از مدل اندازه‌گیری متغیر وابسته (نگرش‌های سیاسی) به صورت استاندارد در نمودار شماره (۱) بیان شده است.

نمودار شماره (۱). مدل استاندارد اندازه‌گیری عاملی متغیر وابسته (نگرش‌های سیاسی)



داده‌های جدول شماره (۱۳)، وزن‌های استاندارد و غیراستاندارد رگرسیونی هریک

از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار P-value برای دو متغیر بهزیستی سیاسی و نگرش‌های سیاسی، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد، تأثیر متغیر یادشده بر متغیر وابسته، معنادار است.

جدول شماره (۱۳). برآورد استاندارد و غیراستاندارد مؤلفه‌های اصلی (ضرایب گاما) و سطوح معناداری برای

آزمون فرضیه‌ها

سطح معناداری	برآورد رگرسیونی		مؤلفه		
	غیراستاندارد	استاندارد	متغیر وابسته	جهت	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۱/۱۳۳	۰/۸۵۰	بهزیستی سیاسی	-	نگرش‌های سیاسی

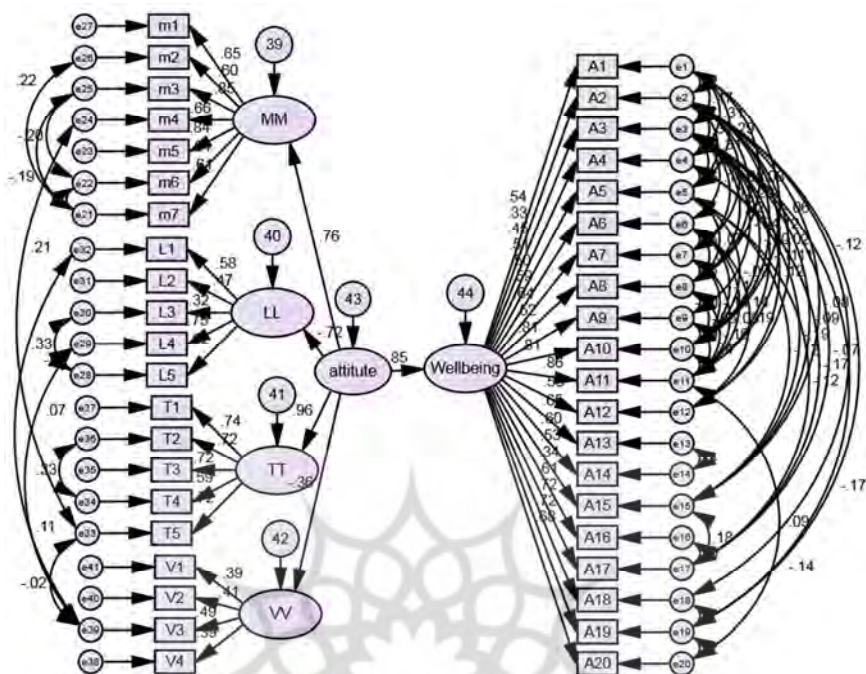
داده‌های جدول شماره (۱۴) شاخص‌های کلی برازش برای مدل ساختاری نگرش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که هرچند مدل در برخی از شاخص‌ها با مدل مطلوب فاصله دارد، اما اکثر شاخص‌ها مناسب بودن مدل را تأیید می‌کنند. مقدار کای اسکوئر هنجارشده در این مدل در اصلاح نخست برابر ۱/۱۳۸ است که با صفر فاصله دارد. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر ۰/۰۵۹ است که فاصله چندانی با صفر ندارد و وضعیت خوبی را نشان می‌دهد.

در مدل ساختاری پژوهش، برای برازش مدل و قضاوت در مورد بهبود آن، از چهار دسته شاخص استفاده شده است؛ از جمله این شاخص‌ها، که شاخص بدی برازش است (یعنی مقدار کم آن و عدم معناداری آن برای برازش مدل مناسب است)، کای اسکوئر می‌باشد که مقدار آن برابر ۷۵۷۹/۴۰۶ در مرحله نخست معنادار بوده و برازش مدل را نشان نمی‌دهد؛ پس از اصلاح مدل در بار نخست، مقدار این شاخص به ۱۵۱۱/۴۳۶ کاهش یافت، ولی از آنجاکه در این مرحله نیز این شاخص برازندگی مدل را نشان نمی‌دهد، سراغ شاخص‌های برازش دیگر رفتیم. یکی دیگر از شاخص‌های مطلق که شاخص بدی برازش به‌شمار می‌آید، شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده است که مقادیر کوچک‌تر آن تا مرز صفر، برازش مدل را نشان می‌دهد و در این مدل مقدار آن برابر ۰/۱۳۱ است. با توجه به اینکه در مرحله اصلاحی، مقدار آن کوچک‌تر و به ۰/۱۱۱ رسید، می‌توان گفت تاحدی، برازندگی مدل نمایان می‌شود.

جدول شماره (۱۴). شاخص‌های کلی برازش برای مدل ساختاری رگرسیون رفتارهای محیط زیستی

نوع شاخص	عنوان فارسی	علائم اختصاری	نقطه برش	مقدار	اصلاح شده
شاخص‌های مطلق	کای اسکوئر	X2	کوچک‌تر؛ تا مرز غیرمعماداری	۷۵۷۹/۴۰۶	۱۵۱۱/۴۳۶
	ریشه میانگین مربعات باقی مانده	RMR	هرچه کوچک‌تر، بهتر	۰/۱۳۱	۰/۱۱۱
	نیکویی برازش	GFI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۵۱	۰/۸۱۲
	نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۱۱	۰/۷۷۱
شاخص‌های تطبیقی	تاکر-لوییس	TLI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۸۹	۰/۸۶۲
	برازش بنتلر بونت	NFI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۳۶	۰/۸۰۱
	برازش تطبیقی	CFI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۰۶	۰/۸۸۱
	برازش نسبی	RFI	بالای ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۱۴	۰/۷۶۹
شاخص‌های مقتصد	نسبت صرفه‌جویی (اقتصاد)	PRATIO	بالا تر از ۰/۵۰ قابل قبول	۰/۹۴۴	۰/۸۶۲
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بالا تر از ۰/۵۰ قابل قبول	۰/۶۰۰	۰/۶۹۰
	نیکویی برازش مقتصد	PGFI	بالا تر از ۰/۵۰ قابل قبول	۰/۵۸۵	۰/۶۶۷
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۰۵ تا حداکثر ۰/۰۸	۰/۰۸۹	۰/۰۵۹
	کای اسکوئر بهنجار (نسبی)	CMIN/DF	بین ۲ تا ۳ قابل قبول	۳/۵۶۶	۳/۱۳۸
	معیار اطلاعات آکائیک	AIC	نزدیک به صفر	۲۹۳۴/۰۱۸	۱۸۱۹/۴۳
سایر شاخص‌ها	معیار براون کادک	BCC	نزدیک به صفر	۲۹۶۰/۱۱۸	۱۸۶۵/۶۳
	معیار اطلاعات بیز	BIC	نزدیک به صفر	۳۲۶۲/۶۷۴	۲۴۰۱/۱۹۵
	نگارش سازگار معیار اطلاعات آکائیک	CAIC	نزدیک به صفر	۳۳۴۹/۶۷۴	۳۵۵۵/۸۹۵
	مؤلفه غیر مرکزی	NCP	نزدیک به صفر	۱۹۸۶/۰۱۸	۸۰۴/۴۳۶
	شاخص هلتر	HOLTER	مقادیر بیشتر از ۲۰۰	۱۰۲	۱۷۰

نمودار شماره (۲). مدل استاندارد ساختاری متغیر مستقل و وابسته در حالت استاندارد



نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، تبیین نظری و تجربی تأثیر احساس بهزیستی سیاسی بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان دانشگاه اردکان بود. نتایج به دست آمده نشان داد که احساس بهزیستی سیاسی، افزون‌بر تأثیر روی نگرش‌های سیاسی در نمونه مورد بررسی، با آن رابطه معناداری نیز دارد؛ به این معنا که با افزایش احساس بهزیستی سیاسی دانشجویان، نگرش‌های سیاسی آن‌ها نیز تغییر می‌کند. با توجه به نتایج به دست آمده، بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش‌های سیاسی محافظه‌کارانه، رادیکال، و واپس‌گرا، رابطه معناداری وجود داشت، اما این رابطه منفی بود، یعنی با افزایش احساس بهزیستی سیاسی، گرایش فرد به سوی محافظه‌کاری، رادیکالیسم، و واپس‌گرایی کاهش می‌یابد. همچنین، براساس نتایج پژوهش، بین احساس بهزیستی سیاسی و نگرش سیاسی لیبرال، رابطه معناداری وجود داشت و جهت این رابطه نیز مستقیم و مثبت بود؛ به این معنا که با افزایش احساس بهزیستی سیاسی، گرایش دانشجویان به سوی نگرش‌های لیبرالی افزایش

می‌یابد.

این نتایج، در برخی موارد، با یافته‌های رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۶)، ایسایسون و همکاران (۲۰۱۹)، سنگویتا و سیلی (۲۰۱۸)، اوکلینز کوزارین و همکاران (۲۰۱۴)، و فلاوین و پاپیک (۲۰۱۴)، همسو بود. نتایج پژوهش‌های یادشده نشان داده است که احساس بهزیستی سیاسی بر نگرش‌های سیاسی تأثیرگذار است. نتایج پژوهش رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که ارزش‌های آمادگی برای تغییر، خودافزایی، و تعالی، افراد را به سوی گروه‌های سیاسی دموکراتیک سوق می‌دهد، اما ارزش حفاظت، باعث گرایش افراد به سوی گروه‌های سیاسی محافظه‌کار می‌شود.

ایسایسون و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان داده‌اند که در دموکراسی‌ها، شهروندان در هنگام تصمیم‌گیری در مورد میزان حمایت و پیروی از مقامات دولتی، از بهزیستی ذهنی خود به‌عنوان معیار ارزیابی استفاده می‌کنند.

تحقیق اوکلینز کوزارین و همکاران (۲۰۱۴) حاکی از این بود که هنگامی که جهت‌گیری به‌لحاظ ارزش‌های وضع‌شده اندازه‌گیری می‌شود، لیبرالیسم، رفاه ذهنی بالاتری را گزارش می‌دهد، اما هنگامی که سیاست برحسب ارزش‌های حمایتی سنجیده می‌شود، محافظه‌کاری با رفاه ذهنی بالاتری همراه است.

به‌طورکلی، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در سطح نظری و تجربی بیانگر این است که هنگامی که بحث منافع جمعی و منافع ملی به‌میان می‌آید، بهزیستی سیاسی باعث گرایش افراد به سوی نگرش‌های لیبرالی می‌شود، اما زمانی که بحث منافع شخصی و حفظ وضع موجود در میان باشد، افراد به سوی نگرش‌های محافظه‌کارانه و توجیه وضع موجود گرایش پیدا می‌کنند.

نتایج این پژوهش با مبانی نظری پژوهش نیز قابل‌تفسیر است. اونیل بر این نظر است که لیبرال‌ها بر این باورند که برای بهتر کردن اوضاع سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی موجود، تغییرات زیادی باید انجام داد، اما این تغییرات گسترده به‌جای دگرگونی انقلابی—باید از طریق دگرگونی تدریجی انجام شود؛ بنابراین، از آنجاکه دانشجویان، با توجه به روحیه آرمان‌گرایی خود، اغلب اوقات به‌دنبال تغییر و دگرگونی وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب و آرمانی خود هستند، این

نتیجه می‌تواند منطقی باشد. برپایه نظریه زیست‌پذیری، حکومت‌های لیبرال با افزایش بهزیستی همراه هستند. از این دیدگاه، فقدان رفاه و اتکا به بازار آزاد، سبب پایین آمدن بهزیستی خواهد شد؛ به این معنا که فراهم کردن بسترها و فرصت‌های برابر برای آزادی‌های اساسی، موجب بهزیستی ذهنی افراد می‌شود، که درنهایت، به نفع کل اجتماع و مجموعه نظام سیاسی خواهد بود، اما نظریه توجیه سیستم، الگوی متفاوتی را برای افراد پیش‌بینی می‌کند. این نظریه ادعا می‌کند که بیشتر مردم، به حمایت و توجیه عقلانی وضعیت موجود تمایل دارند و بر این نظرند که وضعیت سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی فعلی از طریق فرایندهای نسبتاً منصفانه و قانونی به دست آمده است؛ به این ترتیب، افراد برای باور به عدالت، مشروعیت، و شایستگی نظام سیاسی-اجتماعی خود (یعنی حفظ ساختار) برانگیخته می‌شوند، زیرا افشای نقاط ضعف و تناقض‌های آن‌ها، زمینه‌ساز بدبینی به دستاوردهای نظام می‌شود و توانایی آن‌ها برای پیش‌بینی علت و معلول و درک آن‌ها از جهان را کاهش می‌دهد که همه این موارد، بی‌ثباتی و فساد نظام را نمایان می‌کنند. از دیدگاه ناپیر و جاست (۲۰۰۸) یک عامل مهم در راستای حمایت از توجیه سیستم، نگرش سیاسی فرد است. از دیدگاه آن‌ها، احتمال اینکه افراد محافظه‌کارتر در صدد توجیه نظام برآیند و احساس بهزیستی ذهنی بالایی را بروز دهند، بیشتر است. این موضوع به این دلیل است که کسانی که به لحاظ سیاسی، محافظه‌کارتر هستند - به‌رغم هرگونه شرایط نامطلوب در کشوری که در آن زندگی می‌کنند - مشروعیت اجتماعی و سیاسی و واقعیت‌های اقتصادی آن را می‌پذیرند و تأیید می‌کنند؛ بنابراین، از آنجاکه نمونه مورد مطالعه در این مقاله، دانشجویان بودند، نتایج این پژوهش برخلاف نظریه توجیه سیستم بود.

همان‌گونه که گفته شد، احساس بهزیستی سیاسی، دارای مؤلفه‌های زیادی همچون آزادی‌های مدنی و سیاسی، حقوق شهروندی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، حاکمیت قانون، تعداد انتخابات برگزار شده در دوره‌های گذشته، میزان مشارکت رأی‌دهندگان و... است. در ایران، مطالعات کاملی در مورد احساس بهزیستی در حوزه علوم سیاسی انجام نشده است تا بتوان با تکیه بر آن به تحلیل وضعیت موجود احساس

بهبودی پرداخت؛ بنابراین، تنها می‌توان برخی از شاخص‌های عینی بهبودی سیاسی، مانند شرکت در انتخابات و تعداد انتخابات برگزار شده را بررسی کرد که با تکیه بر آن‌ها نیز برداشت ما از بهبودی سیاسی، برداشتی تقلیل‌گرایانه خواهد بود. از این رو، بررسی و تحلیل وضعیت احساس بهبودی سیاسی در ایران، نیازمند پژوهش مستقلی به روش کمی و میدانی است تا بتوان جنبه‌های ذهنی و عینی آن را به‌طور هم‌زمان و به‌گونه‌ای دقیق واکاوی کرد؛ باین‌حال، با توجه به شاخص‌های موجود می‌توان گفت، در پی پیروزی انقلاب اسلامی و از همان زمان تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی، مردم نقش ویژه‌ای در مناسبات سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. پیشینه مشارکت مردم در بیش از ۳۰ دوره انتخابات مختلف (انتخابات ریاست‌جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان رهبری، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، و چند همه‌پرسی) در مدت حدود ۴۰ سال، نشان‌دهنده توجه نظام جمهوری اسلامی ایران به مشارکت سیاسی و پشتیبانی مردمی آن است. مقایسه اجمالی درصد مشارکت مردم در انتخابات فراوان ریاست‌جمهوری و مجالس و شوراهای نشان می‌دهد، این نظام، اعتقاد راسخی به مسئله حضور مردم در انتخابات دارد. رفراندوم دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ یکی از کم‌نظیرترین نمونه‌های این مشارکت سیاسی بود که مردم با ۹۸/۲ درصد به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند و پس از آن، قانون اساسی کشور تدوین و تصویب شد. میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری در دور هفتم ۹۷/۹ درصد، دور هشتم ۶۶/۶ درصد، دور نهم ۶۲/۸ درصد، دور دهم ۸۵ درصد، و دور یازدهم حدود ۷۳ درصد بوده است. همچنین، مردم در انتخابات مجلس ششم ۶۷/۳۵ درصد، مجلس هفتم ۵۱/۲۱ درصد، مجلس هشتم ۵۵/۴۰ درصد، مجلس نهم ۶۴/۲ درصد، و مجلس دهم حدود ۶۲ درصد مشارکت داشته‌اند. همان‌گونه که گفته شد، نمی‌توان تنها با تکیه بر این شاخص‌های عینی و معدود، از میزان بالای احساس بهبودی سیاسی در جامعه ایران سخن گفت. با توجه به نتایج پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت، میانگین نمره احساس بهبودی سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اردکان برابر با ۵۵/۷۲ است که در مقایسه با میانگین موردانتظار (۶۰) پایین‌تر است.

به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد، مطالعه حاضر، نشان‌دهنده یک گام مهم در درک ما از روان‌شناسی سیاسی یک گروه مهم تحت مطالعه بود. این مطالعه برای نخستین بار، نشان داده است که چگونه بهزیستی ذهنی بر نگرش سیاسی افراد تأثیرگذار است؛ با این حال، می‌توان نگرش‌های گوناگونی را ملاک پیش‌بینی رفتارها دانست؛ هرچند ممکن است افراد همیشه از عقاید خود پیروی نکنند، اما می‌توان گفت، در پژوهش‌های علوم سیاسی از تعریف و مفهوم نگرش عمدتاً برای مطالعه رفتارهای سیاسی استفاده شده است و می‌توان نگرش‌های سیاسی را ملاک پیش‌بینی رفتارها دانست.

پیشنهادها و راهکارها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان راهکارهایی را برای افزایش احساس بهزیستی سیاسی در بین دانشجویان ارائه داد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد فضای باز برای فعالیت‌های سیاسی قانونمند در دانشگاه‌ها؛
۲. ایجاد انگیزه سیاسی در بین دانشجویان با برگزاری برنامه‌هایی مانند کرسی‌های آزاداندیشی؛
۳. ترغیب دانشجویان به انجام فعالیت‌های سیاسی در قالب تشکل‌های دانشجویی؛
۴. احترام به علایق و سلیقه فکری دانشجویان؛
۵. ایجاد فضای سرشار از امید، نشاط، و اعتمادسازی برای دانشجویان؛
۶. افزایش فهم سیاسی، تحلیل سیاسی، دانش سیاسی، و آگاهی سیاسی دانشجویان.*

منابع

- اونیل، پاتریک (۱۳۹۱)، *مبانی سیاست تطبیقی (نظام‌های سیاسی تطبیقی)*، ترجمه سعید میرترابی، تهران: قومس.
- رهبرقاضی، محمودرضا؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ نوربخش، سوسن؛ خاکی، مینا (۱۳۹۶)، «ارزش‌های فرهنگی و تأثیرات آن بر نگرش اقتصادی و سیاسی شهروندان»، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، شماره ۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- لطفی، رزیتا (۱۳۹۲)، «احساس عدالت و رابطه آن با گرایش‌های سیاسی (مطالعه شهر تهران)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرادی، عادل (۱۳۹۷)، «مقایسه نگرش‌های سیاسی محافظه‌کار، اصلاح‌طلب، و رادیکال دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران»، *ششمین همایش علمی-پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی*، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- Adler, A. (1964), "Social Interest: A Challenge to Mankind", NewYork: Capricorn Books.
- Ajzen, I. (1988), *Attitudes, Personality and Behavior*, Chicago, IL: The Dorsey Press.
- Alesina, A., Di Tella, R., & MacCulloch, R. (2004), "Inequality and Happiness: are Europeans and Americans Different?", *Journal of Public Economics*, 88(9-10), 2009-2042.
- Ashkanasy, N. M. (2011), "International Happiness: A Multilevel Perspective", *Academy of Management Perspectives*, 25(1).
- Benabou, R. and Tirole, J. (2006), "Belief in a just World and Redistributive Politics", *The Quarterly Journal of Economics*, 121(2).
- Bok, D. (2010), *The Politics of Happiness: What Governments Can Learn from the New Research on Well-being*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Clark, A. E., Frijters, P. and Shields, M. A. (2008), "Relative Income, Happiness,

and Utility: An Explanation for the Easterlin Paradox and other Puzzles", *Journal of Economic Literature*, 46(1).

Dasgupta, P. (1990), "Well-being and the Extent of its Realisation in Poor Countries", *The Economic Journal*, 100(Conference).

Diener, E., Diener, M. and Diener, C. (1995), "Factors Predicting the Subjective well-being of Nations", *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, doi:10.1037/0022-3514.69.5.851.

DiTomaso, N. (2013), *The American Non-Dilemma: Racial Inequality without Racism*, New York, NY: Russell Sage Foundation.

Duvall, T. and Dotson, P. (1998), "Political Participation and Eudaimonia in Aristotle's Politics", *History of Political Thought*, 19 (1).

Esaïasson, P., Dahlberg, S., & Kokkonen, A. (2019), "In Pursuit of Happiness: Life Satisfaction Drives Political Support", *European Journal of Political Research*.

Flavin, P., and Pacek, A. C. (2014), *Life Satisfaction and Political Preferences: An International Analysis*.

Grootel, L. E. (2010), "Wavering Respondent Loyalties: Comparing Three Models of Stability in Political Attitudes", *Master's Thesis*, University of Twente.

Harkness, S. (2007), *Social and Political Indicators of Human Well-being. In Human Well-Being* (pp. 88-112), London: Palgrave Macmillan.

Hassard, J. S. (2012), "Rethinking the Hawthorne Studies: The Western Electric Research in its Social, Political, and Historical Context", *Human Relations*, 65(11).

Hastie, B. (2007), "Higher Education and Sociopolitical Orientation: The Role of Social Influence in the Liberalization of Students", *European Journal of Psychology of Education*, No. 3.

Helliwell, J. F., and Huang, H. (2008), "How's your Government? International Evidence Linking Good Government and Well-being", *British Journal of Political Science*, 38(4).

Hibbs, D. A. (1977), "Political Parties and Macroeconomic Policy", *American Political Science Review*, 71(4).

Hoewe, J., and Peacock, C. (2020), "The Power of Media in Shaping Political Attitudes", *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 34.

Jost, J. T., Pelham, B. W., and Carvallo, M. R. (2002), "Non-Conscious Forms of System Justification: Implicit and Behavioral Preferences for Higher Status Groups", *Journal of Experimental Social Psychology*, 38(6).

Jost, J., and Hunyady, O. (2003), "The Psychology of System Justification and

the Palliative Function of Ideology", *European Review of Social Psychology*, 13(1).

Kasser, T. (2002), "Sketches for a Self-Determination Theory of Values" *Handbook of Self-Determination Research*, 123, 40.

Kiesler, C.A., Collins B.E., Miller N. (1969), *Attitude Change: A Critical Analysis of Theoretical Approaches*, New York, NY: John Wiley & Sons, Inc.

Klar, M., & Kasser, T. (2009), "Some Benefits of Being an Activist: Measuring Activism and its Role in Psychological Well-being", *Political Psychology*, 30(5).

Kroll, C. (2011), "Measuring Progress and Well-being: Achievements and Challenges of a New Global Movement", *Friedrich-Ebert-Stiftung*, Internat. Policy Analysis.

Lane, R. E. (2000), *The Loss of Happiness in Market Democracies*, New Haven, CT: Yale University Press.

Laurin, K., Kay, A. C. and Shepherd, S. (2011), "Self-Stereotyping as a Route to System Justification", *Social Cognition*, 29(3).

Meier, S. and Stutzer, A. (2008), "Is Volunteering Rewarding in itself?", *Economica*, 75(297).

Myers, D. G and Diener, E (1995), "Who is Happy?" *Psychological Science*, 6 (1).

Napier, J. L., and Jost, J. T. (2008), "Why are Conservatives Happier than Liberals?" *Psychological Science*, 19(6).

Okulicz-Kozaryn, A., Holmes, I. V. and Avery, D. R. (2014), "The Subjective Well-being Political Paradox: Happy Welfare States and Unhappy Liberals", *Journal of Applied Psychology*, 99(6).

Pacek, A. C. and Radcliff, B. (2008), "Welfare Policy and Subjective Well-being Across Nations: An Individual-Level Assessment", *Social Indicators Research*, 89(1).

Radcliff, B. (2001), "Politics, Markets, and Life Satisfaction: The Political Economy of Human Happiness", *American Political Science Review*, 95.

Rasmussen, D. C. (2006), "Does "Bettering our Condition" Really Make us Better off? Adam Smith on Progress and Happiness", *American Political Science Review*, 100(3).

Ryan, C. (2017), Political "Self-Identification and Political Attitudes", *Undergraduate Honors Theses*, 57: https://ir.lib.uwo.ca/psychK_uht/57.

Ryan, R. M., and Deci, E. L. (2001), "On Happiness and Human Potentials: A Review of Research on Hedonic and Eudaimonic Well-being", *Annual Review of*

Psychology, 52.

Savani, K. and Rattan, A. (2012), "A Choice Mind-set Increases the Acceptance and Maintenance of Wealth Inequality", *Psychological Science*, 23(7).

Schnabel, L. (2018), "Sexual Orientation and Social Attitudes", *Socius*, 4, 2378023118769550.

Scruggs, L., and Allan, J. (2006), "Welfare-State Decommodification in 18 OECD Countries: a Replication and Revision", *Journal of European Social Policy*, 16(1).

Sen, A. (1993), "Capability and Well-being", in M. Nussbaum and A. K. Sen (eds) *The Quality of Life*, Oxford: Clarendon Press.

Sengupta, N. K. and Sibley, C. G. (2018), "The Political Attitudes and Subjective Wellbeing of the One Percent", *Journal of Happiness Studies*.

UNDP (1993, 1997, 2001, 2002), *Human Development Report*, Oxford and New York: Oxford University Press for the United Nations Development Programme.

Van Oorschot, W. (2006), "Making the Difference in Social Europe: Deservingness Perceptions among Citizens of European Welfare States", *Journal of European Social Policy*, 16(1).

Veenhoven, R. (2008), "Sociological Theories of Subjective Well-being", *The Science of Subjective Well-being*, 9.

Wilkinson, R. G. and Pickett, K. E. (2006), "Income Inequality and Population Health: a Review and Explanation of the Evidence", *Social Science and Medicine*, 62(7).

Wilson, J. (2000), "Volunteering", *Annual Review of Sociology*, 26.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی